



استاندارد حسابداری ۴۲
اندازه‌گیری ارزش منصفانه
(تصویب شده ۱۳۹۹)



فهرست مندرجات

از بند	
۱	هدف
۵	دامنه کاربرد
۹	اندازه‌گیری
۹	تعریف ارزش منصفانه
۱۱	دارایی یا بدهی
۱۵	معامله
۲۲	فعالان بازار
۲۴	قیمت
۲۷	کاربرد در مورد داراییهای غیرمالی
۳۴	کاربرد در مورد بدهیها و ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری
۴۸	کاربرد در مورد داراییهای مالی و بدهیهای مالی با موقعیتهای تهاتری در ریسکهای بازار یا ریسک اعتباری طرف مقابل
۵۶	ارزش منصفانه در شناخت اولیه
۶۰	تکنیکهای ارزشیابی
۶۶	داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی
۷۱	سلسله مراتب ارزش منصفانه
۹۰	افشا
۹۹	تاریخ اجرا
۱۰۰	مطابقت با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی
	پیوستها
	الف اصطلاحات تعریف شده
	ب رهنمود بکارگیری
	پ گذار



استاندارد حسابداری ۴۲

اندازه گیری ارزش منصفانه

هدف

۱. این استاندارد:
الف. ارزش منصفانه را تعریف می کند؛
ب. چارچوب اندازه گیری ارزش منصفانه را در یک استاندارد واحد، مقرر می کند؛ و
پ. افشا درباره اندازه گیری ارزش منصفانه را الزامی می کند.
۲. ارزش منصفانه، اندازه گیری مبتنی بر بازار است و اندازه گیری مختص واحد تجاری نیست. در مورد برخی داراییها و بدهیها، ممکن است معاملات قابل مشاهده بازار یا اطلاعات قابل مشاهده بازار در دسترس باشد. اما در مورد سایر داراییها و بدهیها، ممکن است معاملات قابل مشاهده بازار و اطلاعات قابل مشاهده بازار در دسترس نباشد. به هر حال، هدف از اندازه گیری ارزش منصفانه در هر دو مورد یکسان است - و آن هدف برآورد قیمتی است که بر اساس آن معامله ای نظام مند برای فروش دارایی یا انتقال بدهی بین فعالان بازار در تاریخ اندازه گیری در شرایط جاری بازار انجام می شود (یعنی قیمت خروجی در تاریخ اندازه گیری از دیدگاه یک فعال بازار دارنده دارایی یا متعهد بدهی).
۳. هنگامی که قیمتی برای یک دارایی یا بدهی همانند، قابل مشاهده نباشد، واحد تجاری ارزش منصفانه را با تکنیک دیگر ارزشیابی که استفاده از داده های ورودی قابل مشاهده مربوط را حداکثر و استفاده از داده های ورودی غیرقابل مشاهده را حداقل می سازد، اندازه گیری می کند. از آنجا که ارزش منصفانه، اندازه گیری مبتنی بر بازار است، این ارزش با استفاده از مفروضاتی، از جمله مفروضات درباره ریسک، اندازه گیری می شود که فعالان بازار در قیمت گذاری دارایی یا بدهی مورد نظر استفاده می کنند. در نتیجه، قصد واحد تجاری برای نگهداری دارایی یا تسویه بدهی یا ایفای آن به طریقی دیگر، بر اندازه گیری ارزش منصفانه تأثیر ندارد.
۴. در تعریف ارزش منصفانه، بر داراییها و بدهیها تأکید می شود، زیرا آنها موضوع اصلی اندازه گیری در حسابداری هستند. این استاندارد، همچنین باید برای ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری که به ارزش منصفانه اندازه گیری می شود، بکار گرفته شود.

دامنه کاربرد

۵. این استاندارد، به استثنای موارد مشخص شده در بندهای ۶ و ۷، در مواردی کاربرد دارد که دیگر استانداردهای حسابداری، اندازه گیری ارزش منصفانه یا افشا درباره اندازه گیری ارزش منصفانه (و اندازه گیریهای مبتنی بر ارزش منصفانه، مانند ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش، یا افشا درباره آن اندازه گیریها) را الزامی یا مجاز کرده باشد.
۶. الزامات اندازه گیری و افشا در این استاندارد، در موارد زیر کاربرد ندارد:
الف. معاملات اجاره که در دامنه کاربرد استاندارد حسابداری ۲۱ حسابداری اجاره ها قرار می گیرد؛ و
ب. اندازه گیریهایی که شباهتهایی با ارزش منصفانه دارند، اما ارزش منصفانه نیستند، مانند خالص ارزش فروش در استاندارد حسابداری ۸ حسابداری موجودی مواد و کالا یا ارزش اقتصادی در استاندارد حسابداری ۳۲ کاهش ارزش داراییها.
۷. الزامات افشای مقرر در این استاندارد، در موارد زیر الزامی نیست:
الف. داراییهای طرح که طبق استاندارد حسابداری ۳۳ مزایای بازنشستگی کارکنان به ارزش منصفانه اندازه گیری می شود؛ و
ب. سرمایه گذاریهای طرحهای مزایای بازنشستگی که طبق استاندارد حسابداری ۲۷ طرحهای مزایای بازنشستگی به ارزش منصفانه اندازه گیری می شود.
۸. چنانچه به موجب سایر استانداردهای حسابداری، بکارگیری ارزش منصفانه الزامی یا مجاز شده باشد، چارچوب اندازه گیری ارزش منصفانه که در این استاندارد تشریح شده است، هم در اندازه گیری اولیه و هم در اندازه گیری بعدی کاربرد دارد.

اندازه گیری

تعریف ارزش منصفانه

۹. این استاندارد، ارزش منصفانه را به عنوان قیمتی تعریف می کند که بابت فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله ای نظام مند بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود.
۱۰. در بند ب ۲، رویکرد کلی اندازه گیری ارزش منصفانه تشریح می شود.



دارایی یا بدهی

۱۱. اندازه گیری ارزش منصفانه، در مورد یک دارایی یا یک بدهی مشخص انجام می گیرد. بنابراین، واحد تجاری هنگام اندازه گیری ارزش منصفانه، باید ویژگیهای دارایی یا بدهی مورد نظر را که فعالان بازار هنگام قیمت گذاری آن دارایی یا بدهی در تاریخ اندازه گیری در نظر می گیرند، مورد توجه قرار دهد. برای مثال، چنین ویژگیهایی شامل موارد زیر است:
الف. وضعیت و موقعیت مکانی دارایی؛ و
ب. محدودیتهای فروش یا استفاده از دارایی، در صورت وجود.
۱۲. اثر ناشی از یک ویژگی خاص بر اندازه گیری، با توجه به اینکه ویژگی مزبور چگونه توسط فعالان بازار در نظر گرفته می شود، متفاوت خواهد بود.
۱۳. دارایی یا بدهی اندازه گیری شده به ارزش منصفانه، ممکن است یکی از موارد زیر باشد:
الف. یک دارایی یا یک بدهی به تنهایی (مانند یک ابزار مالی یا یک دارایی غیر مالی)؛ یا
ب. گروهی از داراییها، گروهی از بدهیها یا گروهی از داراییها و بدهیها (مانند یک واحد مولد نقد یا یک فعالیت تجاری).
۱۴. اینکه برای مقاصد شناخت یا افشا، دارایی یا بدهی به تنهایی، گروهی از داراییها، گروهی از بدهیها یا گروهی از داراییها و بدهیها در نظر گرفته شود، به واحد حساب آن بستگی دارد. واحد حساب برای دارایی یا بدهی، به استثنای موارد ارائه شده در این استاندارد، باید طبق استاندارد حسابداری که اندازه گیری ارزش منصفانه را الزامی یا مجاز می کند، تعیین شود.

معامله

۱۵. در اندازه گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که دارایی یا بدهی در معامله ای نظام مند بین فعالان بازار، بابت فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در تاریخ اندازه گیری در شرایط جاری بازار، مبادله می شود.
۱۶. در اندازه گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که معامله فروش دارایی یا انتقال بدهی در یکی از بازارهای زیر اتفاق می افتد:
الف. بازار اصلی برای دارایی یا بدهی؛ یا
ب. در صورت نبود بازار اصلی، بازار دارای بیشترین مزایا برای دارایی یا بدهی.
۱۷. واحد تجاری برای تشخیص بازار اصلی، یا در صورت نبود بازار اصلی، برای شناسایی بازار دارای بیشترین مزایا، نیازی نیست به جستجوی جامع بازارهای ممکن بپردازد، اما تمام اطلاعاتی که بطور معقول در دسترس است را باید در نظر بگیرد. در صورت نبود شواهد نقض کننده، بازاری که بطور معمول واحد تجاری در آن مبادرت به انجام معامله فروش دارایی یا انتقال بدهی می کند، بازار اصلی، یا در صورت نبود بازار اصلی، بازار دارای بیشترین مزایا فرض می شود.
۱۸. چنانچه برای دارایی یا بدهی بازار اصلی وجود داشته باشد، اندازه گیری ارزش منصفانه باید بیانگر قیمت در آن بازار باشد (صرف نظر از اینکه آن قیمت بطور مستقیم قابل مشاهده باشد یا با استفاده از تکنیک دیگر ارزشیابی برآورد شود)، حتی اگر در تاریخ اندازه گیری، قیمت در یک بازار دیگر بطور بالقوه با صرفه تر است.
۱۹. واحد تجاری باید در تاریخ اندازه گیری، به بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) دسترسی داشته باشد. از آنجا که واحدهای تجاری مختلف (و فعالیتهای تجاری آن واحدهای تجاری) دارای فعالیتهای متفاوت، ممکن است به بازارهای متفاوتی دسترسی داشته باشند، بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای دارایی یا بدهی همانند، در واحدهای تجاری مختلف (و فعالیتهای تجاری آن واحدهای تجاری) می تواند متفاوت باشد. بنابراین، بازار اصلی یا بازار (دارای بیشترین مزایا)، (و در نتیجه فعالان بازار)، باید از دیدگاه واحد تجاری مورد توجه قرار گیرد تا تفاوت میان واحدهای تجاری مختلف دارای فعالیتهای متفاوت، مشخص گردد.
۲۰. اگرچه واحد تجاری باید بتواند به بازار دسترسی داشته باشد، اما نیازی نیست در تاریخ اندازه گیری بتواند دارایی مشخصی را بفروشد یا بدهی مشخصی را انتقال دهد تا بتواند ارزش منصفانه را بر مبنای قیمت در آن بازار اندازه گیری کند.
۲۱. حتی زمانی که بازار قابل مشاهده ای برای فراهم کردن اطلاعات قیمت گذاری درباره فروش دارایی یا انتقال بدهی در تاریخ اندازه گیری وجود نداشته باشد، در اندازه گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که از دیدگاه فعال بازار که دارنده دارایی یا متعهد بدهی است، معامله ای در آن تاریخ انجام می شود. این معامله فرضی، مبنایی برای برآورد قیمت فروش دارایی یا انتقال بدهی فراهم می کند.



فعالان بازار

۲۲. واحد تجاری باید ارزش منصفانه دارایی یا بدهی را با استفاده از مفروضاتی اندازه گیری کند که فعالان بازار هنگام قیمت گذاری دارایی یا بدهی بکار می گیرند، با این فرض که فعالان بازار در جهت بهترین منافع اقتصادی خود اقدام می کنند.
۲۳. در تعیین چنین مفروضاتی، واحد تجاری نیازی نیست فعالان خاصی را در بازار مشخص کند؛ بلکه واحد تجاری، با در نظر گرفتن عوامل مربوط به تمام موارد زیر، باید ویژگی هایی را مشخص کند که فعالان بازار را بطور کلی متمایز می کند:
- الف. دارایی یا بدهی؛
 - ب. بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای دارایی یا بدهی؛ و
 - پ. فعالان بازار که واحد تجاری، در آن بازار با آنها معامله می کند.

قیمت

۲۴. ارزش منصفانه، قیمتی است که بابت فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله ای نظام مند بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه گیری در شرایط جاری بازار قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود (یعنی قیمت خروجی)، صرف نظر از اینکه قیمت مزبور بطور مستقیم قابل مشاهده باشد یا با استفاده از تکنیک دیگر ارزشیابی برآورد شود.
۲۵. قیمتی که در بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای اندازه گیری ارزش منصفانه دارایی یا بدهی مورد استفاده قرار می گیرد، نباید بابت مخارج معامله تعدیل شود. مخارج معامله باید طبق سایر استانداردهای حسابداری به حساب منظور شود. مخارج معامله، ویژگی دارایی یا بدهی محسوب نمی شود، بلکه این مخارج، مختص یک معامله است و با توجه به چگونگی انجام معامله دارایی یا بدهی توسط واحد تجاری، متفاوت است.
۲۶. مخارج معامله، مخارج حمل را شامل نمی شود. اگر موقعیت مکانی، از ویژگی های دارایی محسوب شود (برای مثال، همان گونه که ممکن است در مورد یک کالا مصداق داشته باشد)، قیمت در بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) باید بابت مخارج تعدیل شود که در صورت وجود، در نتیجه حمل دارایی از موقعیت مکانی فعلی به آن بازار تحمل می شود.

کاربرد در مورد دارایی های غیر مالی

بیشترین و بهترین استفاده از دارایی های غیر مالی

۲۷. در اندازه گیری ارزش منصفانه یک دارایی غیر مالی، توانایی فعالان بازار برای ایجاد منافع اقتصادی از طریق بیشترین و بهترین استفاده از دارایی مورد نظر یا فروش آن به دیگر فعالان بازار که از آن دارایی بیشترین و بهترین استفاده را می کنند، در نظر گرفته می شود.
۲۸. در بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیر مالی، امکان پذیر بودن استفاده از دارایی به لحاظ فیزیکی، مجاز بودن از نظر قانونی و قابل توجیه بودن از نظر مالی، به شرح زیر در نظر گرفته می شود:
- الف. برای امکان پذیر بودن استفاده به لحاظ فیزیکی، ویژگی های فیزیکی دارایی که فعالان بازار هنگام قیمت گذاری دارایی مد نظر قرار می دهند (مانند موقعیت مکانی یا اندازه دارایی).
 - ب. برای مجاز بودن استفاده از نظر قانونی، محدودیتهای قانونی برای استفاده از دارایی که فعالان بازار هنگام قیمت گذاری دارایی مد نظر قرار می دهند (مانند مقررات منطقه ای قابل اعمال در مورد دارایی).
 - پ. برای قابل توجیه بودن استفاده از نظر مالی، این موضوع که آیا استفاده از یک دارایی که از نظر فیزیکی امکان پذیر و از نظر قانونی مجاز است، در آمد یا جریانهای نقدی کافی ایجاد می کند (با در نظر گرفتن مخارج تبدیل دارایی برای استفاده مورد نظر) تا بازده سرمایه گذاری فعالان بازار از سرمایه گذاری در آن دارایی تأمین شود یا خیر.
۲۹. بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیر مالی، از دیدگاه فعالان بازار تعیین می شود، حتی اگر واحد تجاری قصد استفاده متفاوتی از آن دارایی داشته باشد. به هر حال، فرض بر این است که استفاده فعلی واحد تجاری از دارایی غیر مالی، بیشترین و بهترین استفاده است، مگر اینکه بازار یا سایر عوامل نشان دهد که استفاده متفاوت توسط فعالان بازار، ارزش دارایی را حداکثر خواهد کرد.
۳۰. واحد تجاری ممکن است برای حفظ موقعیت رقابتی یا به دلایل دیگر، قصد استفاده فعال یا بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیر مالی تحصیل شده را نداشته باشد. برای مثال، این مورد زمانی مصداق دارد که واحد تجاری دارایی نامشهود تحصیل شده را به صورت تدافعی و به منظور جلوگیری از استفاده دیگران مورد استفاده قرار دهد. با وجود این، واحد تجاری باید ارزش منصفانه دارایی غیر مالی را با فرض بیشترین و بهترین استفاده از آن دارایی توسط فعالان بازار اندازه گیری کند.

پیش فرض ارزشیابی برای داراییهای غیر مالی

۳۱. بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیر مالی، تعیین کننده پیش فرض ارزشیابی مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی به شرح زیر است:

الف. بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیر مالی، ممکن است از طریق استفاده از آن دارایی در ترکیب با سایر داراییها به عنوان یک گروه (پس از نصب یا سایر شیوه‌های آماده‌سازی برای استفاده) یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها (برای مثال، یک فعالیت تجاری)، حداکثر ارزش را برای فعالان بازار ایجاد کند.

۱. اگر بیشترین و بهترین استفاده از دارایی، استفاده از دارایی در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها باشد، ارزش منصفانه دارایی قیمتی است که در یک معامله جاری بابت فروش دارایی دریافت می‌شود، با این فرض که آن دارایی همراه با سایر داراییها، یا همراه با سایر داراییها و بدهیها مورد استفاده قرار می‌گیرد و داراییها و بدهیهای مزبور (یعنی داراییهای مکمل و بدهیهای مربوط به آن) در دسترس فعالان بازار است.

۲. بدهیهای مرتبط با دارایی مزبور و بدهیهای مرتبط با داراییهای مکمل، شامل بدهیهایی است که سرمایه در گردش را تأمین می‌کند، اما شامل بدهیهای مورد استفاده برای تأمین مالی داراییهایی به غیر از گروه داراییها نمی‌شود.

۳. مفروضات مربوط به بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیر مالی، باید برای تمام داراییها (که بیشترین و بهترین استفاده در مورد آنها مربوط است) در گروه داراییها یا گروه داراییها و بدهیها که دارایی در آن گروه مورد استفاده قرار می‌گیرد، متناقض نباشد.

ب. بیشترین و بهترین استفاده از یک دارایی غیر مالی ممکن است بر مبنای استفاده مستقل از دارایی، حداکثر ارزش را برای فعالان بازار فراهم کند. اگر بیشترین و بهترین استفاده از دارایی، بر مبنای استفاده مستقل از دارایی باشد، ارزش منصفانه دارایی، قیمتی است که در معامله جاری، بابت فروش دارایی به فعالان بازار که دارایی را به صورت مستقل مورد استفاده قرار می‌دهند، دریافت می‌شود.

۳۲. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی غیر مالی، فرض می‌شود که دارایی مطابق با واحد حساب مشخص شده در سایر استانداردهای حسابداری (که ممکن است یک دارایی منفرد باشد) به فروش می‌رسد. این موضوع حتی هنگامی که در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض می‌شود بیشترین و بهترین استفاده از دارایی از طریق ترکیب با سایر داراییها یا از طریق ترکیب با سایر داراییها و بدهیها به دست می‌آید، مصداق دارد، زیرا در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که فعالان بازار، داراییهای مکمل و بدهیهای مربوط به آن را در حال حاضر در اختیار دارند.

۳۳. بند ۳، کاربرد مفهوم پیش فرض ارزشیابی برای داراییهای غیر مالی را تشریح می‌کند.

کاربرد در مورد بدهیها و ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری

اصول کلی

۳۴. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، فرض بر این است که بدهی مالی، بدهی غیر مالی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری (مانند ابزارهای مالکانه منتشر شده به عنوان مابه‌ازا در ترکیب تجاری) در تاریخ اندازه‌گیری به فعالان بازار انتقال می‌یابد. در انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری، فرض بر این است که:

الف. بدهی به شکل تسویه نشده باقی می‌ماند و فعال بازار که انتقال گیرنده است، ملزم به ایفاء آن تعهد می‌باشد. بدهی، در تاریخ اندازه‌گیری، با طرف مقابل تسویه نمی‌شود یا به طریق دیگری خاتمه نمی‌یابد.

ب. ابزار مالکانه خود واحد تجاری، همچنان در جریان باقی می‌ماند و فعال بازار که انتقال گیرنده است، حقوق و مسئولیتهای مرتبط با آن ابزار را می‌پذیرد. ابزار مالکانه، در تاریخ اندازه‌گیری، ابطال نمی‌شود یا به طریق دیگری خاتمه نمی‌یابد.

۳۵. حتی هنگامی که بازار قابل مشاهده‌ای برای ارائه اطلاعات قیمت گذاری درباره انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری وجود ندارد (برای مثال، به دلیل وجود محدودیتهای قراردادی یا سایر محدودیتهای قانونی که مانع انتقال این اقلام می‌شود)، در صورت نگهداری این اقلام به عنوان دارایی توسط اشخاص دیگر، ممکن است بازار قابل مشاهده‌ای برای آنها وجود داشته باشد (مانند اوراق مشارکت یا اختیار خرید سهام واحد تجاری).



۳۶. واحد تجاری، در تمام موارد، برای دستیابی به هدف اندازه گیری ارزش منصفانه باید استفاده از داده های ورودی قابل مشاهده مربوط را حداکثر و استفاده از داده های ورودی غیر قابل مشاهده را حداقل کند. هدف اندازه گیری ارزش منصفانه، برآورد قیمتی است که در تاریخ اندازه گیری در شرایط جاری بازار، در معامله ای نظام مند بین فعالان بازار، بدهی یا ابزار مالکانه به آن قیمت منتقل می شود.

بدهیها و ابزارهای مالکانه نگهداری شده به عنوان دارایی توسط اشخاص دیگر

۳۷. هنگامی که قیمت اعلام شده برای انتقال یک بدهی همانند یا مشابه یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری در دسترس نباشد و شخص دیگری، قلم همانندی را به عنوان دارایی در اختیار داشته باشد، واحد تجاری باید ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه را از دیدگاه یک فعال بازار که در تاریخ اندازه گیری، آن قلم همانند را به عنوان دارایی در اختیار دارد، اندازه گیری کند.

۳۸. در چنین مواردی، واحد تجاری باید ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه را به شرح زیر اندازه گیری کند:
الف. استفاده از قیمت اعلام شده در بازار فعال برای قلم همانندی که توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداری می شود، در صورتی که این قیمت در دسترس باشد.

ب. در صورتی که قیمت مزبور در دسترس نباشد، استفاده از سایر داده های ورودی قابل مشاهده، مانند قیمت اعلام شده در بازار غیر فعال برای قلم همانندی که توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداری می شود.

پ. در صورتی که قیمت های قابل مشاهده ذکر شده در قسمتهای (الف) و (ب) در دسترس نباشد، استفاده از یک تکنیک دیگر ارزشیابی مانند:

۱. تکنیک با رویکرد درآمد (برای مثال، تکنیک ارزش فعلی که از جریانهای نقدی آتی استفاده می کند که فعال بازار انتظار دارد در قبال نگهداری بدهی یا ابزار مالکانه به عنوان دارایی دریافت نماید؛ به بندهای ب ۱۰ و ب ۱۱ مراجعه شود).

۲. تکنیک با رویکرد بازار (برای مثال، استفاده از قیمت های اعلام شده برای بدهیها یا ابزارهای مالکانه مشابه که توسط طرفهای دیگر به عنوان دارایی نگهداری می شود؛ به بندهای ب ۵ تا ب ۷ مراجعه شود).

۳۹. واحد تجاری باید قیمت اعلام شده برای بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری را که توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداری می شود، تنها در صورتی تعدیل کند که عواملی مختص دارایی وجود داشته باشد که در اندازه گیری ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه قابل استفاده نباشد. واحد تجاری باید اطمینان یابد که قیمت دارایی تحت تأثیر محدودیتی که مانع فروش آن دارایی می شود قرار نگرفته است. برخی عوامل که ممکن است نشان دهد قیمت اعلام شده دارایی باید تعدیل شود، شامل موارد زیر است:

الف. قیمت اعلام شده برای دارایی، در ارتباط با بدهی یا ابزار مالکانه مشابه (اما غیر همانند) است و توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداری می شود. برای مثال، بدهی یا ابزار مالکانه ممکن است ویژگی خاصی داشته باشد (برای مثال، وضعیت اعتباری ناشر) که با آنچه در ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه مشابه نگهداری شده به عنوان دارایی منعکس شده، متفاوت است.

ب. واحد حساب دارایی با واحد حساب بدهی یا ابزار مالکانه یکسان نیست. برای مثال، در مورد بدهیها، در برخی موارد قیمت دارایی منعکس کننده قیمت ترکیبی مجموعه ای متشکل از تعهدات ناشر و تضمینهای اعتباری شخص ثالث است. اگر واحد حساب بدهی، واحد حساب مجموعه ترکیب شده نباشد، هدف، اندازه گیری ارزش منصفانه بدهی ناشر است، و نه ارزش منصفانه مجموعه ترکیب شده. بنابراین، در چنین مواردی، واحد تجاری به منظور حذف اثر تضمین اعتباری شخص ثالث، قیمت مشاهده شده برای دارایی را تعدیل می کند.

بدهیها و ابزارهایی که توسط اشخاص دیگر، به عنوان دارایی نگهداری نمی شود

۴۰. هنگامی که قیمت اعلام شده برای انتقال یک بدهی همانند یا مشابه یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری در دسترس نباشد و شخص دیگر، قلم همانندی را به عنوان دارایی نگهداری نکند، واحد تجاری باید ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه را از دیدگاه یک فعال بازار که در قبال بدهی متعهد است یا ابزار مالکانه را منتشر کرده است، با استفاده از یک تکنیک ارزشیابی اندازه گیری کند.

۴۱. برای مثال، واحد تجاری ممکن است هنگام استفاده از تکنیک ارزش فعلی، یکی از موارد زیر را در نظر بگیرد:
الف. جریانهای نقدی خروجی آتی که فعال بازار انتظار دارد هنگام ایفای تعهد واقع شود که شامل مابه ازایی است که فعال بازار برای تقبل تعهد، آن را مطالبه می کند (به بندهای ب ۳۱ تا ب ۳۳ مراجعه شود).



ب. مبلغی که فعال بازار، برای تقبل یا انتشار ابزار بدهی یا ابزار مالکانه همانند دریافت می کند. این مبلغ مبتنی بر مفروضاتی است که فعالان بازار هنگام قیمت گذاری قلم همانند (برای مثال، با ویژگیهای اعتباری یکسان) در بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای انتشار ابزار بدهی یا ابزار مالکانه با شرایط قراردادی یکسان، مورد استفاده قرار می دهند.

ریسک عدم ایفای تعهد

۴۲ ارزش منصفانه بدهی، اثر ریسک عدم ایفای تعهد را منعکس می کند. ریسک عدم ایفای تعهد شامل ریسک اعتباری خود واحد تجاری است (طبق تعریف استاندارد حسابداری ۳۷ ابزارهای مالی: افشا)، اما محدود به آن نمی شود. فرض می شود ریسک عدم ایفای تعهد، قبل و بعد از انتقال بدهی، یکسان است.

۴۳ واحد تجاری هنگام اندازه گیری ارزش منصفانه یک بدهی، باید اثر ریسک اعتباری خود (وضعیت اعتباری) و سایر عواملی را در نظر بگیرد که ممکن است احتمال ایفا یا عدم ایفای تعهد را تحت تأثیر قرار دهد. این اثر ممکن است با توجه به بدهی متفاوت باشد، برای مثال:

الف. اینکه بدهی، تعهد تحویل نقد (بدهی مالی) است یا تعهد تحویل کالا یا خدمات (بدهی غیر مالی).

ب. شرایط تضمین اعتباری مرتبط با بدهی، در صورت وجود.

۴۴ ارزش منصفانه بدهی، اثر ریسک عدم ایفای تعهد را بر مبنای واحد حساب آن منعکس می کند. ناشر بدهی منتشر شده همراه با یک تضمین اعتبار جانشدنی شخص ثالث که جدا از بدهی گزارش می شود، نباید اثر تضمین اعتبار (مانند تضمین بدهی توسط شخص ثالث) را در اندازه گیری ارزش منصفانه بدهی در نظر گیرد. اگر تضمین اعتبار جدا از بدهی در نظر گرفته می شود، ناشر هنگام اندازه گیری ارزش منصفانه بدهی، همچنان وضعیت اعتباری خود را در نظر می گیرد و نه وضعیت اعتباری شخص ثالث تضمین کننده.

محدودیتی که از انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری جلوگیری می کند

۴۵ واحد تجاری هنگام اندازه گیری ارزش منصفانه یک بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری، نباید داده ورودی مستقل لحاظ کند یا تعدیلی در سایر داده های ورودی مرتبط با وجود محدودیتی که از انتقال آن قلم جلوگیری می کند صورت دهد. اثر محدودیتی که از انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری جلوگیری می کند، به صورت صریح یا ضمنی در سایر داده های ورودی برای اندازه گیری ارزش منصفانه منظور شده است.

۴۶ برای مثال، هم اعتباردهنده و هم ناشر، در تاریخ معامله، قیمت معامله بدهی را با آگاهی کامل از اینکه تعهد شامل محدودیتی است که از انتقال آن جلوگیری می کند، پذیرفته اند. با توجه به لحاظ شدن محدودیت در قیمت معامله، ضرورتی ندارد در تاریخ معامله، به منظور انعکاس اثر محدودیت بر انتقال، داده ورودی مستقل لحاظ شود یا تعدیلی در داده های موجود صورت گیرد. همچنین، در تاریخهای بعدی اندازه گیری، لحاظ کردن داده ورودی مستقل یا تعدیل داده ورودی موجود به منظور انعکاس اثر محدودیت بر انتقال الزامی نیست.

بدهی مالی با ویژگی عندالمطالبه

۴۷ ارزش منصفانه یک بدهی مالی با ویژگی عندالمطالبه (برای مثال، سپرده دیداری) از ارزش منصفانه مبلغ قابل پرداخت در صورت مطالبه، که از نخستین تاریخی که آن مبلغ می تواند قابل پرداخت باشد تنزیل شده است، کمتر نیست.

کاربرد در مورد داراییهای مالی و بدهیهای مالی با موقعیتهای تهازی در ریسکهای بازار یا ریسک اعتباری طرف معامله

۴۸ یک واحد تجاری که گروهی از داراییهای مالی و بدهیهای مالی را نگهداری می کند، در معرض ریسکهای بازار (طبق تعریف استاندارد حسابداری ۳۷) و ریسک اعتباری (طبق تعریف استاندارد حسابداری ۳۷) هر یک از طرفهای معامله قرار دارد. چنانچه واحد تجاری، آن گروه از داراییهای مالی و بدهیهای مالی را بر مبنای خالص آسیب پذیری خود از ریسکهای بازار یا ریسک اعتباری مدیریت کند، واحد تجاری مجاز به استفاده از استثنای این استاندارد در اندازه گیری ارزش منصفانه است. این استثنا، به واحد تجاری اجازه می دهد تا ارزش منصفانه گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را بر مبنای قیمتی اندازه گیری کند که در معامله ای نظام مند بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه گیری در شرایط جاری بازار، بابت فروش موقعیت خرید خالص (یعنی دارایی) در سطح ریسک مشخص، دریافت، یا در نتیجه انتقال موقعیت فروش خالص (یعنی بدهی) در سطح ریسک مشخص، پرداخت خواهد شد. به همین ترتیب، واحد تجاری باید ارزش منصفانه گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را در تاریخ اندازه گیری، طبق نحوه قیمت گذاری خالص آسیب پذیری از ریسک توسط فعالان بازار، اندازه گیری کند.

۴۹ واحد تجاری تنها در صورت انجام تمام موارد زیر، مجاز به استفاده از استثنای مندرج در بند ۴۸ است.



الف. گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را طبق مدیریت ریسک یا راهبرد سرمایه گذاری مستند شده واحد تجاری، بر مبنای خالص آسیب پذیری واحد تجاری از ریسک (یا ریسکهای) خاص بازار یا ریسک اعتباری خاص طرف معامله مدیریت کند؛
ب. اطلاعاتی درباره گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی، برای مدیران اصلی واحد تجاری طبق تعریف استاندارد حسابداری ۱۲ **افشای اطلاعات اشخاص وابسته**، بر مبنای اشاره شده در قسمت الف تهیه کند؛ و
پ. ملزم باشد یا تصمیم گرفته باشد داراییهای مالی و بدهیهای مالی مزبور را در صورت وضعیت مالی در پایان هر دوره گزارشگری، به ارزش منصفانه اندازه گیری نماید.

۵۰. استثنای مندرج در بند ۴۸، به ارائه صورتهای مالی ارتباط ندارد. در برخی موارد، برای مثال، زمانی که یکی از استانداردهای حسابداری، ارائه ابزارهای مالی بر مبنای خالص را الزامی یا مجاز نمی داند، مبنای ارائه ابزارهای مالی در صورت وضعیت مالی با مبنای اندازه گیری ابزارهای مالی تفاوت دارد. در چنین موارد، واحد تجاری ممکن است ملزم باشد تعدیلات در سطح پرتفوی (به بندهای ۵۲ تا ۵۵ مراجعه شود) را به هر یک از داراییها یا بدهیهای تشکیل دهنده گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی که بر مبنای خالص آسیب پذیری واحد تجاری از ریسک مدیریت می شود، تخصیص دهد. واحد تجاری باید چنین تخصیصهایی را بر مبنای معقول و یکنواخت، با استفاده از روش شناسی متناسب با شرایط انجام دهد.

۵۱. واحد تجاری برای استفاده از استثنای مندرج در بند ۴۸، باید درباره رویه حسابداری، طبق استاندارد حسابداری ۳۴ **رویه های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات**، تصمیم گیری کند. واحد تجاری که از این استثنا استفاده می کند، باید این رویه حسابداری، شامل رویه تخصیص تعدیلات قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش (به بندهای ۵۲ تا ۵۴ مراجعه شود) و تعدیلات اعتباری (به بند ۵۵ مراجعه شود) را، در موارد مقتضی، به صورت یکنواخت طی دوره های مختلف برای پرتفوی خاص بکار گیرد.

آسیب پذیری از ریسکهای بازار

۵۲. هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند ۴۸ برای اندازه گیری ارزش منصفانه گروهی از داراییهای مالی و بدهیهای مالی، که بر مبنای خالص آسیب پذیری واحد تجاری از ریسک (یا ریسکهای) بازار مدیریت می شود، واحد تجاری باید قیمتی را در دامنه قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش بکار گیرد که بهترین معرف از ارزش منصفانه در شرایط خالص آسیب پذیری واحد تجاری از ریسکهای بازار است (به بندهای ۶۹ و ۷۰ مراجعه شود).

۵۳. واحد تجاری هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند ۴۸، باید اطمینان یابد که ریسک (یا ریسکهای) بازار که واحد تجاری در آن گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی، در معرض آن (آنها) قرار دارد، تا حد زیادی یکسان است. برای مثال، واحد تجاری ریسک نرخ سود مرتبط با یک دارایی مالی را با ریسک قیمت کالای مرتبط با یک بدهی مالی ترکیب نمی کند، زیرا این کار، آسیب پذیری واحد تجاری از ریسک نرخ سود یا ریسک قیمت کالا را کاهش نمی دهد. هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند ۴۸، باید برای اندازه گیری ارزش منصفانه داراییهای مالی و بدهیهای مالی گروه، هر گونه ریسک پایه ناشی از پارامترهای غیرهمانند ریسک بازار در نظر گرفته شود.

۵۴. به همین ترتیب، مدت زمان قرار گرفتن واحد تجاری در معرض ریسک (یا ریسکهای) بازار ناشی از داراییهای مالی و بدهیهای مالی، باید تا حد زیادی یکسان باشد. برای مثال، یک واحد تجاری که از قرارداد آتی ۱۲ ماهه در برابر جریانهای نقدی مرتبط با آسیب پذیری از ریسک نرخ سود ۱۲ ماهه مربوط به یک ابزار مالی ۵ ساله در گروهی صرفاً متشکل از آن داراییهای مالی و بدهیهای مالی استفاده می کند، ارزش منصفانه آسیب پذیری از ریسک نرخ سود ۱۲ ماهه را بر مبنای خالص و ارزش منصفانه آسیب پذیری از باقیمانده ریسک نرخ سود (یعنی سالهای دوم تا پنجم) را بر مبنای ناخالص اندازه گیری می کند.

آسیب پذیری از ریسک اعتباری یک طرف معامله مشخص

۵۵. هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند ۴۸ برای اندازه گیری ارزش منصفانه گروهی از داراییهای مالی و بدهیهای مالی در ارتباط با یک طرف معامله مشخص، زمانی که فعالان بازار توافقهایی موجود که موجب کاهش آسیب پذیری از ریسک اعتباری در شرایط نکول می شوند را در نظر می گیرند، واحد تجاری باید اثر خالص آسیب پذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری مرتبط با طرف معامله یا خالص آسیب پذیری آن طرف معامله از ریسک اعتباری واحد تجاری را در اندازه گیری ارزش منصفانه لحاظ کند (برای مثال، توافقهایی جامع خالص سازی با طرف معامله یا توافقی که مستلزم مبادله وثیقه بر مبنای خالص آسیب پذیری هر یک از طرفهای معامله از ریسک اعتباری طرف دیگر است). اندازه گیری ارزش منصفانه باید منعکس کننده انتظارات فعالان بازار از احتمال اجرایی شدن قانونی برای چنین توافقی در شرایط نکول باشد.

ارزش منصفانه در شناخت اولیه

۵۶. هنگامی که در یک عملیات مبادله‌ای، یک دارایی تحصیل یا یک بدهی تقبل می‌شود، قیمت معامله معادل قیمت پرداختی برای تحصیل دارایی یا قیمت دریافتی برای تقبل بدهی (قیمت ورودی) است. در مقابل، ارزش منصفانه دارایی یا بدهی قیمتی است که در ازای فروش دارایی، دریافت یا در ازای انتقال بدهی، پرداخت می‌شود (قیمت خروجی). واحدهای تجاری لزوماً داراییها را به قیمت پرداخت شده برای تحصیل آنها نمی‌فروشند. به همین ترتیب، واحدهای تجاری لزوماً بدهیها را به قیمت دریافت شده در ازای تقبل آنها منتقل نمی‌کنند.
۵۷. در بسیاری موارد، قیمت معامله با ارزش منصفانه برابر است (برای مثال، این مورد زمانی مصداق دارد که در تاریخ معامله، خرید یک دارایی در بازاری انجام شود که آن دارایی به فروش می‌رسد).
۵۸. واحد تجاری هنگام تعیین اینکه ارزش منصفانه در شناخت اولیه، با قیمت معامله برابر است یا خیر، باید عوامل مختص به آن معامله و آن دارایی یا بدهی را در نظر بگیرد. در بند ب ۴، شرایطی توصیف می‌شود که در آن شرایط، قیمت معامله ممکن است بیانگر ارزش منصفانه دارایی یا بدهی در شناخت اولیه نباشد.
۵۹. چنانچه استاندارد حسابداری دیگری، واحد تجاری را در شناخت اولیه ملزم یا مجاز به اندازه‌گیری یک دارایی یا یک بدهی به ارزش منصفانه کند و قیمت معامله با ارزش منصفانه تفاوت داشته باشد، واحد تجاری باید هر گونه سود یا زیان حاصل را در صورت سود و زیان شناسایی کند، مگر اینکه استاندارد مزبور، نحوه عمل دیگری را تعیین کرده باشد.

تکنیکهای ارزشیابی

۶۰. واحد تجاری باید از تکنیکهای ارزشیابی استفاده کند که متناسب با شرایط است و به منظور اندازه‌گیری ارزش منصفانه، برای آنها داده‌های کافی در دسترس می‌باشد و استفاده از داده‌های ورودی قابل مشاهده مربوط را حداکثر و استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده را حداقل می‌کند.
۶۱. هدف از استفاده از یک تکنیک ارزشیابی، برآورد قیمتی است که بر اساس آن، معامله‌ای نظام‌مند برای فروش دارایی یا انتقال بدهی بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاری بازار انجام می‌شود. سه تکنیک ارزشیابی که در سطح وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد، شامل تکنیک با رویکرد بازار، تکنیک با رویکرد نهایی تمام شده و تکنیک با رویکرد درآمد است. جنبه‌های اصلی این رویکردها در بندهای ب ۵ تا ب ۱۱ بطور خلاصه ارائه می‌شود. یک واحد تجاری برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید از تکنیکهای ارزشیابی سازگار با یک یا چند رویکرد از آن رویکردها استفاده نماید.
۶۲. در برخی موارد، تنها یک تکنیک ارزشیابی مناسب است (مانند زمانی که دارایی یا بدهی، با استفاده از قیمت‌های اعلام شده در بازاری فعال برای داراییها یا بدهیهای همانند، ارزشیابی می‌شود). در سایر موارد، چندین تکنیک ارزشیابی مناسب خواهد بود (مانند ارزشیابی یک واحد مولد نقد). چنانچه از چندین تکنیک ارزشیابی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه استفاده می‌شود، نتایج (یعنی شاخصهای مربوط به ارزش منصفانه) باید با توجه به معقول بودن دامنه ارزشهای مبتنی بر آن نتایج، ارزیابی شود. اندازه‌گیری ارزش منصفانه، نقطه‌ای از آن دامنه است که بهترین معرف از ارزش منصفانه در آن شرایط باشد.
۶۳. اگر قیمت معامله، ارزش منصفانه در شناخت اولیه باشد و برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه در دوره‌های بعد، از یک تکنیک ارزشیابی استفاده شود که از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده استفاده می‌کند، تکنیک ارزشیابی مذکور باید به گونه‌ای تنظیم شود که نتیجه آن در شناخت اولیه، با قیمت معامله برابر باشد. تنظیم تکنیک ارزشیابی اطمینان می‌دهد که تکنیک ارزشیابی شرایط جاری بازار را منعکس و به واحد تجاری در تعیین اینکه تعدیل تکنیک ارزشیابی ضرورت دارد یا خیر (برای مثال، ممکن است دارایی یا بدهی دارای یک ویژگی باشد که در تکنیک ارزشیابی مورد توجه قرار نگرفته است)، کمک می‌کند. پس از شناخت اولیه، هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه با استفاده از تکنیک یا تکنیکهای ارزشیابی که از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده استفاده می‌کنند، واحد تجاری باید اطمینان یابد که آن تکنیکهای ارزشیابی، داده‌های ورودی قابل مشاهده در بازار (مانند قیمت دارایی یا بدهی مشابه) را در تاریخ اندازه‌گیری منعکس می‌کنند.
۶۴. تکنیکهای ارزشیابی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید با ثبات رویه بکار گرفته شود. با وجود این، تغییر در تکنیک ارزشیابی یا بکارگیری آن (برای مثال، تغییر در وزن آن تکنیک هنگام استفاده از چندین تکنیک ارزشیابی یا تغییر در تعدیل اعمال شده در تکنیک ارزشیابی)، هنگامی مناسب است که آن تغییر، منجر به مبلغی شود که معرف بهتری از ارزش منصفانه یا معادل تکنیک قبلی معرف ارزش منصفانه در آن شرایط باشد. برای مثال، این مورد ممکن است در صورت وقوع هر یک از رویدادهای زیر مصداق داشته باشد:

الف. ایجاد بازارهای جدید؛

ب. در دسترس بودن اطلاعات جدید؛



پ. در دسترس نبودن اطلاعات استفاده‌شده در گذشته؛

ت. بهبود تکنیکهای ارزشیابی؛ یا

ث. تغییر شرایط بازار.

۶۵. تجدیدنظرها ناشی از تغییر در یک تکنیک ارزشیابی یا بکارگیری آن، باید طبق استاندارد حسابداری ۳۴ به عنوان تغییر در برآورد حسابداری محسوب شود. با وجود این، افشاهای مندرج در استاندارد حسابداری ۳۴ درخصوص تغییر در برآورد حسابداری، بابت تجدیدنظرها ناشی از تغییر در یک تکنیک ارزشیابی یا بکارگیری آن، الزامی نیست.

داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی

اصول کلی

۶۶. در تکنیکهای ارزشیابی بکارگرفته شده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، باید استفاده از داده‌های ورودی قابل مشاهده مربوط، حداکثر و استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده حداقل شود.

۶۷. مثالهایی از بازارهایی که در آن، داده‌های ورودی مربوط به برخی داراییها و بدهیها (برای مثال ابزارهای مالی) ممکن است قابل مشاهده باشد، بازارهای بورس، بازارهای معامله‌گری، بازارهای کارگزاری و بازارهای بدون واسطه است (به بند ب ۳۴ مراجعه شود).

۶۸. یک واحد تجاری باید داده‌های ورودی را انتخاب کند که با ویژگیهای دارایی یا بدهی مورد نظر که فعالان بازار در معامله آن دارایی یا بدهی در نظر می‌گیرند، سازگار باشد (به بندهای ۱۱ و ۱۲ مراجعه شود). در برخی موارد، آن ویژگیها منجر به انجام تعدیل، مانند صرف یا کسر، می‌شود (برای مثال، صرف کنترل یا کسر منافع فاقد حق کنترل). با وجود این، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه نباید صرف یا کسری لحاظ شود که با واحد حساب مندرج در استاندارد که اندازه‌گیری ارزش منصفانه را الزامی یا مجاز می‌کند، سازگار نباشد (به بندهای ۱۳ و ۱۴ مراجعه شود). صرفها یا کسرهایی که اندازه را به عنوان ویژگی میزان نگهداری دارایی و بدهی توسط واحد تجاری (به ویژه، طبق توصیف بند ۷۹، عامل عرضه بلوکی که قیمت اعلام‌شده دارایی یا بدهی را به این دلیل تعدیل می‌کند که حجم عادی معاملات روزانه بازار به اندازه‌ای نیست که مقادیر نگهداری‌شده توسط واحد تجاری را جذب کند)، نه به عنوان ویژگی دارایی یا بدهی (برای مثال، صرف کنترل هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه منافع دارای حق کنترل) منعکس می‌کند، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه در نظر گرفته نمی‌شود. در تمام موارد، به استثنای موارد مشخص‌شده در بند ۷۸، چنانچه قیمت اعلام‌شده در یک بازار فعال (یعنی داده ورودی سطح ۱) برای دارایی یا بدهی وجود داشته باشد، واحد تجاری باید هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه، آن قیمت را بدون تعدیل مورد استفاده قرار دهد.

داده‌های ورودی مبتنی بر قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش

۶۹. اگر دارایی یا بدهی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه، دارای قیمت پیشنهادی خرید و فروش باشد (برای مثال، داده ورودی از بازار معامله‌گری)، قیمتی که در دامنه قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش، بهترین معرف از ارزش منصفانه در آن شرایط است، صرف‌نظر از جایگاه آن داده ورودی در طبقه‌بندی سلسله مراتب ارزش منصفانه (یعنی سطح ۱، ۲ یا ۳؛ به بندهای ۷۱ تا ۸۹ مراجعه شود)، باید برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از قیمتهای پیشنهادی خرید برای موقعیت دارایی و قیمتهای پیشنهادی فروش برای موقعیت بدهی جایز است، اما الزامی نیست.

۷۰. این استاندارد، استفاده از قیمت‌گذاری بر مبنای میانگین قیمتهای بازار یا سایر روشهای قیمت‌گذاری را که فعالان بازار به عنوان راهکار عملی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه در دامنه قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش بکار می‌گیرند، منع نمی‌کند.

سلسله مراتب ارزش منصفانه

۷۱. در این استاندارد، برای افزایش ثبات رویه و قابلیت مقایسه در اندازه‌گیری ارزش منصفانه و افشاهای مرتبط با آن، سلسله مراتب ارزش منصفانه تعیین می‌شود که به موجب آن، داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی برای استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، در سه سطح طبقه‌بندی می‌شوند (به بندهای ۷۵ تا ۸۹ مراجعه شود). در سلسله مراتب ارزش منصفانه، بالاترین اولویت مربوط به قیمتهای اعلام‌شده (تعدیل‌نشده) در بازارهای فعال برای داراییها و بدهیهای همانند (داده‌های ورودی سطح ۱) و پایین‌ترین اولویت مربوط به داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده (داده‌های ورودی سطح ۳) است.

۷۲. در برخی موارد، داده‌های ورودی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی یا یک بدهی، ممکن است در سطوح مختلف سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی شوند. در این موارد، کلیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه، در همان سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود که یک داده ورودی در پایین‌ترین سطحی که نسبت به کلیت اندازه‌گیری با اهمیت است، در آن سطح طبقه‌بندی شده باشد. ارزیابی اهمیت یک داده ورودی خاص نسبت به کلیت اندازه‌گیری، مستلزم قضاوت و در نظر



گرفتن عوامل مختص دارایی یا بدهی است. هنگام تعیین سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه که اندازه‌گیری ارزش منصفانه در آن سطح طبقه‌بندی می‌شود، نباید تعدیلاتی برای دستیابی به اندازه‌گیری مبتنی بر ارزش منصفانه، مانند مخارج فروش هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش، لحاظ گردد.

۷۳. قابلیت دسترسی به داده‌های ورودی مربوط و ماهیت نسبتاً ذهنی آنها ممکن است بر انتخاب تکنیکهای ارزشیابی مناسب اثر بگذارد (به بند ۶۰ مراجعه شود). با وجود این، سلسله مراتب ارزش منصفانه، داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی، و نه تکنیکهای ارزشیابی مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، را اولویت‌بندی می‌کند. برای مثال، اندازه‌گیری ارزش منصفانه با استفاده از تکنیک ارزش فعلی، با توجه به اهمیت داده‌های ورودی نسبت به کلیت اندازه‌گیری و سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه که داده‌های ورودی مزبور در آن سطح طبقه‌بندی شده‌اند، ممکن است در سطح ۲ یا سطح ۳ طبقه‌بندی شود.

۷۴. اگر یک داده ورودی قابل مشاهده مستلزم تعدیل با استفاده از یک داده ورودی غیرقابل مشاهده باشد و آن تعدیل به میزان قابل ملاحظه‌ای ارزش منصفانه را بالاتر یا پایین‌تر اندازه‌گیری کند، اندازه‌گیری حاصل در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود. برای مثال، اگر یک فعال بازار، هنگام برآورد قیمت دارایی، اثر محدودیت فروش دارایی را در نظر گیرد، واحد تجاری برای انعکاس اثر آن محدودیت، قیمت اعلام‌شده را تعدیل می‌کند. اگر قیمت اعلام‌شده، یک داده ورودی سطح ۲ و تعدیل مورد نظر، داده ورودی غیرقابل مشاهده‌ای باشد که نسبت به کلیت اندازه‌گیری با اهمیت است، اندازه‌گیری در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود.

داده‌های ورودی سطح ۱

۷۵. داده‌های ورودی سطح ۱، قیمت‌های اعلام‌شده (تعدیل نشده) در بازارهای فعال برای دارایی‌ها یا بدهی‌های همانند است که واحد تجاری می‌تواند در تاریخ اندازه‌گیری به آنها دست یابد.

۷۶. قیمت اعلام‌شده در بازار فعال، قابل اتکاترین شواهد از ارزش منصفانه را فراهم می‌کند و به استثنای مورد مندرج در بند ۷۸، در صورت در دسترس بودن، باید بدون تعدیل برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه بکار گرفته شود.

۷۷. داده ورودی سطح ۱، برای بسیاری از دارایی‌های مالی و بدهی‌های مالی که برخی از آنها در چندین بازار فعال (برای مثال، در بورسهای مختلف) معامله می‌شوند، در دسترس است. بنابراین، در سطح ۱، بر تعیین هر دو مورد زیر تأکید می‌شود:

- الف. بازار اصلی برای دارایی یا بدهی یا، در صورت نبود بازار اصلی، بازار دارای بیشترین مزایا برای دارایی یا بدهی؛ و
- ب. اینکه واحد تجاری می‌تواند آن دارایی یا بدهی را در تاریخ اندازه‌گیری به قیمت مزبور در آن بازار معامله کند یا خیر.

۷۸. واحد تجاری نباید داده ورودی سطح ۱ را به استثنای شرایط زیر، تعدیل کند:

الف. هنگامی که واحد تجاری تعداد زیادی دارایی یا بدهی (برای مثال اوراق بدهی) مشابه (اما غیرهمانند) در اختیار دارد که به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شوند و برای هر یک از دارایی‌ها یا بدهی‌ها، قیمت اعلام‌شده در بازار فعال در دسترس است اما به آسانی قابل دستیابی نیست (یعنی با توجه به تعداد زیاد دارایی‌ها یا بدهی‌های مشابه که واحد تجاری در اختیار دارد، کسب اطلاعات مرتبط با قیمت‌گذاری برای هر یک از دارایی‌ها یا بدهی‌ها بطور اختصاصی در تاریخ اندازه‌گیری دشوار است). در این شرایط، واحد تجاری ممکن است به عنوان یک راهکار عملی، ارزش منصفانه را با استفاده از روش قیمت‌گذاری جایگزین اندازه‌گیری کند که صرفاً بر مبنای قیمت‌های اعلام‌شده در بازار نیست (برای مثال، قیمت‌گذاری ماتریسی). با وجود این، استفاده از روش قیمت‌گذاری جایگزین، موجب اندازه‌گیری ارزش منصفانه‌ای می‌شود که در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌گردد.

ب. هنگامی که قیمت اعلام‌شده در یک بازار فعال، بیانگر ارزش منصفانه در تاریخ اندازه‌گیری نیست. این مورد زمانی مصداق دارد که برای مثال، رویدادهای مهمی (مانند معاملات در بازار بدون واسطه، دادوستد در بازار کارگزاری یا اطلاعاتی‌ها) پس از بسته شدن بازار و پیش از تاریخ اندازه‌گیری واقع شود. واحد تجاری برای تشخیص این رویدادها که ممکن است بر اندازه‌گیری ارزش منصفانه اثر بگذارد، باید رویه‌ای را تعیین کند و بطور یکنواخت بکار گیرد. با وجود این، تعدیل قیمت اعلام‌شده بابت اطلاعات جدید، موجب اندازه‌گیری ارزش منصفانه‌ای می‌شود که در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌گردد.

پ. هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری با استفاده از قیمت اعلام‌شده برای قابل مشاهده است.

در بازار فعال به عنوان دارایی معامله می‌شود و لازم است آن قیمت بابت تعدیل اعلام‌شده (به)



بند ۳۹ مراجعه شود). اگر الزام به تعدیل قیمت اعلام شده برای آن دارایی وجود نداشته باشد، نتیجه اندازه‌گیری، ارزش منصفانه‌ای است که در سطح ۱ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود. با وجود این، هرگونه تعدیل قیمت اعلام شده دارایی، موجب اندازه‌گیری ارزش منصفانه‌ای می‌شود که در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌گردد.

۷۹. اگر واحد تجاری موقعیت یک دارایی یا یک بدهی را در اختیار داشته باشد (شامل موقعیتی متشکل از تعداد زیادی دارایی یا تعداد زیادی بدهی همانند، نظیر مجموعه‌ای از ابزارهای مالی) و آن دارایی یا بدهی در بازار فعال معامله شود، ارزش منصفانه آن دارایی یا بدهی، باید بر اساس قیمت اعلام شده هر دارایی و بدهی و مقدار نگهداری شده توسط واحد تجاری، در سطح ۱ اندازه‌گیری شود. این مورد، حتی در شرایطی مصداق دارد که حجم عادی معاملات روزانه بازار به اندازه‌ای نیست که مقادیر نگهداری شده توسط واحد تجاری را جذب کند و قراردادن سفارشهای فروش این موقعیت در یک معامله واحد، ممکن است بر قیمت اعلام شده اثر بگذارد.

داده‌های ورودی سطح ۲

۸۰. داده‌های ورودی سطح ۲، داده‌های ورودی غیر از قیمت‌های اعلام شده مشمول سطح ۱ هستند و برای دارایی یا بدهی مورد نظر، بطور مستقیم یا غیرمستقیم قابل مشاهده می‌باشند.

۸۱. اگر دارایی یا بدهی مورد نظر، دوره زمانی معین (قراردادی) داشته باشد، داده ورودی سطح ۲ باید برای بخش عمده‌ای از کل دوره زمانی دارایی یا بدهی، قابل مشاهده باشد. داده‌های ورودی سطح ۲ شامل موارد زیر است:

- الف. قیمت اعلام شده برای داراییها یا بدهیهای مشابه در بازارهای فعال.
- ب. قیمت اعلام شده برای داراییها یا بدهیهای همانند یا مشابه در بازارهایی که فعال نیستند.
- پ. داده‌های ورودی غیر از قیمت‌های اعلام شده، که برای دارایی یا بدهی مورد نظر، قابل مشاهده است. برای مثال:

۱. منحنیهای بازده و نرخهای سود قابل مشاهده در فواصل زمانی مشخص اعلام شده؛

۲. نوسانهای مورد انتظار؛ و

۳. تفاوتهای اعتباری.

ت. داده‌های ورودی تأییدشده بازار.

۸۲. تعدیلات داده‌های ورودی سطح ۲، با توجه به عوامل مختص دارایی یا بدهی متفاوت است. این عوامل شامل موارد زیر است:

- الف. وضعیت یا موقعیت مکانی دارایی؛
- ب. میزان ارتباط داده‌های ورودی با اقلامی که با دارایی یا بدهی مورد نظر قابل مقایسه هستند (شامل عوامل تشریح شده در بند ۳۹)؛ و

پ. حجم یا سطح فعالیت در بازارهایی که داده‌های ورودی در آنها مشاهده می‌شود.

۸۳. اگر برای تعدیلات، از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده بااهمیت استفاده شود، تعدیل داده ورودی سطح ۲ که نسبت به کلیت اندازه‌گیری بااهمیت است، می‌تواند موجب اندازه‌گیری ارزش منصفانه‌ای شود که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌گردد.

۸۴. بند ب ۳۵، استفاده از داده‌های ورودی سطح ۲ برای برخی داراییها و بدهیها را توصیف می‌کند.

داده‌های ورودی سطح ۳

۸۵. داده‌های ورودی سطح ۳، داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده برای دارایی یا بدهی هستند.

۸۶. داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید تا اندازه‌ای مورد استفاده قرار گیرند که داده‌های ورودی قابل مشاهده مربوط در دسترس نباشند، مانند شرایطی که برای دارایی یا بدهی در تاریخ اندازه‌گیری، فعالیت بازار وجود ندارد یا کم است. با وجود این، هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه، یعنی قیمت خروجی در تاریخ اندازه‌گیری از دیدگاه یک فعال بازار دارنده دارایی یا متعهد بدهی، تغییر نمی‌کند. بنابراین، داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده باید مفروضاتی که فعالان بازار هنگام قیمت گذاری دارایی یا بدهی بکار می‌گیرند، شامل مفروضات درباره ریسک، را منعکس کند.



۸۷. مفروضات درباره ریسک، شامل ریسک ذاتی تکنیک ارزشیابی خاص مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه (مانند مدل قیمت‌گذاری) و ریسک ذاتی داده‌های ورودی تکنیک ارزشیابی است. اگر فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی یکی از این ریسکها را در نظر بگیرند، اندازه‌گیری بدون تعدیل بابت ریسک، بیانگر اندازه‌گیری ارزش منصفانه نخواهد بود. برای مثال، ممکن است در صورت وجود عدم اطمینان قابل ملاحظه در اندازه‌گیری، تعدیل بابت ریسک ضروری باشد (مانند هنگامی که در حجم یا سطح فعالیت بازار برای داراییها یا بدهیهای مشابه در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای دارایی یا بدهی مورد نظر، کاهش قابل ملاحظه وجود دارد و طبق بندهای ب۳۷ تا ب۴۷، واحد تجاری تشخیص می‌دهد که قیمت معامله یا قیمت اعلام‌شده بیانگر ارزش منصفانه نیست).

۸۸. واحد تجاری باید داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده را با استفاده از بهترین اطلاعات در دسترس در آن شرایط، که می‌تواند شامل داده‌های خود واحد تجاری باشد، ایجاد کند. واحد تجاری برای ایجاد داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده، می‌تواند با داده‌های خود، کار را آغاز نماید؛ اما اگر اطلاعاتی که بطور معقول در دسترس است نشان دهد که سایر فعالان بازار از داده‌های متفاوتی استفاده می‌کنند یا داده‌های خاصی درباره واحد تجاری وجود دارد که در دسترس سایر فعالان بازار نیست (مانند هم‌افزایی خاص واحد تجاری)، واحد تجاری باید داده‌های خود را تعدیل کند. واحد تجاری برای کسب اطلاعات درباره مفروضات فعالان بازار، نیاز نیست تلاش گسترده‌ای انجام دهد. با وجود این، واحد تجاری باید تمام اطلاعات درباره مفروضات فعالان بازار را که بطور معقول در دسترس است، در نظر بگیرد. داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده که به شیوه تشریح‌شده در بالا ایجاد می‌شود، به عنوان مفروضات فعالان بازار تلقی می‌شود و هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه حاصل می‌گردد.

۸۹. بند ب۳۶، استفاده از داده‌های ورودی سطح ۳ برای برخی داراییها و بدهیها را توصیف می‌کند.

افشا

۹۰. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که در ارزیابی هر دو مورد زیر، به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی کمک کند:
الف. تکنیکهای ارزشیابی و داده‌های ورودی مورد استفاده برای اندازه‌گیری داراییها و بدهیهایی که پس از شناخت اولیه، در صورت وضعیت مالی بطور متناوب یا غیرمتناوب به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود.
ب. در مورد اندازه‌گیریهای متناوب ارزش منصفانه با استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده بااهمیت (سطح ۳)، تأثیر اندازه‌گیریها بر سود یا زیان دوره یا سایر اقلام سود و زیان جامع دوره.

۹۱. واحد تجاری برای دستیابی به اهداف مندرج در بند ۹۰، باید تمام موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. سطح جزئیات لازم برای رعایت الزامات افشا؛

ب. میزان تأکید بر هر یک از الزامات مختلف؛

پ. میزان تجمع یا تفکیک مورد نظر؛ و

ت. اینکه استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، برای ارزیابی اطلاعات کمی افشا شده، به اطلاعات بیشتر نیاز دارند یا خیر.

اگر موارد افشا شده طبق این استاندارد و سایر استانداردهای حسابداری، برای دستیابی به اهداف مندرج در بند ۹۰ کافی نباشد، واحد تجاری باید اطلاعات بیشتری را که برای دستیابی به آن اهداف ضروری است، افشا کند.

۹۲. واحد تجاری به منظور دستیابی به اهداف مندرج در بند ۹۰، باید حداقل اطلاعات زیر را برای هر طبقه از داراییها و بدهیها (برای کسب اطلاعات از نحوه تعیین طبقه‌های مناسب داراییها و بدهیها، به بند ۹۳ مراجعه شود) که پس از شناخت اولیه، در صورت وضعیت مالی به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود (شامل اندازه‌گیریهای مبتنی بر ارزش منصفانه در دامنه کاربرد این استاندارد)، افشا کند:

الف. برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه، دلایل اندازه‌گیری. اندازه‌گیریهای متناوب داراییها یا بدهیها به ارزش منصفانه، به مواردی اطلاق می‌شود که طبق سایر استانداردهای حسابداری، انعکاس آن در صورت وضعیت مالی پایان هر دوره گزارشگری الزامی یا مجاز است. اندازه‌گیری غیرمتناوب داراییها یا بدهیها به ارزش منصفانه، شامل مواردی است که سایر استانداردهای حسابداری، انعکاس به ارزش منصفانه در صورت وضعیت مالی را در شرایط خاصی الزامی یا مجاز می‌کنند.

ب. برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه، سطح سلسله مراتب ارزش منصفانه (سطح ۱، ۲ یا ۳) که در آن سطح، اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه بطور کامل طبقه‌بندی می‌شوند.



- پ. برای داراییها و بدهیهایی که در پایان دوره گزارشگری بطور متناوب به ارزش منصفانه اندازه گیری می شوند، مبالغ انتقال بین سطح ۱ و سطح ۲ سلسله مراتب ارزش منصفانه، دلایل انتقال و رویه واحد تجاری برای تعیین زمانی که فرض می شود انتقال بین سطوح واقع شده است (به بند ۹۴ مراجعه شود). انتقال به هر سطح، باید جدا از انتقال از آن سطح، افشا و تشریح گردد.
- ت. برای اندازه گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه که در سطح ۲ و سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه بندی شده اند، شرحی از تکنیک یا تکنیکهای ارزشیابی و داده های ورودی مورد استفاده در اندازه گیری ارزش منصفانه. اگر تکنیک ارزشیابی تغییر کند (برای مثال، تغییر از تکنیک با رویکرد بازار به تکنیک با رویکرد درآمد یا استفاده از تکنیک ارزشیابی دیگر)، واحد تجاری باید این تغییر و دلیل یا دلایل آن را افشا کند. برای اندازه گیریهای ارزش منصفانه که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه بندی شده اند، واحد تجاری باید اطلاعات کمی درباره داده های ورودی با اهمیت غیر قابل مشاهده مورد استفاده در اندازه گیری ارزش منصفانه را ارائه کند. اگر هنگام اندازه گیری ارزش منصفانه توسط واحد تجاری، داده های ورودی غیر قابل مشاهده کمی ایجاد نشده باشد (مانند زمانی که واحد تجاری قیمت معاملات گذشته یا اطلاعات قیمت گذاری اشخاص ثالث را بدون تعدیل استفاده می کند)، واحد تجاری ملزم به ایجاد اطلاعات کمی برای مطابقت با این الزامات افشا نیست. با وجود این، هنگام ارائه این افشا، واحد تجاری نمی تواند داده های ورودی غیر قابل مشاهده کمی را که برای اندازه گیری ارزش منصفانه با اهمیت و بطور معقول در دسترس واحد تجاری است، نادیده بگیرد.
- ث. برای اندازه گیریهای متناوب ارزش منصفانه که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه بندی می شود، صورت تطبیق مانده های ابتدا و پایان دوره، که تغییرات طی دوره قابل انتساب به موارد زیر را جداگانه افشا می کند:
۱. جمع سودها یا زیانهای شناسایی شده طی دوره در صورت سود و زیان، و قلم یا اقلام اصلی مندرج در صورت سود و زیان که سودها یا زیانهای مذکور در آن (ها) شناسایی می شود.
 ۲. جمع سودها یا زیانهای شناسایی شده طی دوره در صورت سود و زیان جامع، و قلم یا اقلام اصلی مندرج در صورت سود و زیان جامع که در آن (ها)، سودها یا زیانهای مذکور شناسایی می شود.
 ۳. خرید، فروش، انتشار و تسویه (هر یک از انواع تغییرات، جداگانه افشا می شود).
 ۴. مبالغ انتقال به سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه یا انتقال از آن سطح، دلایل این انتقال و رویه واحد تجاری برای تعیین زمانی که فرض می شود انتقال بین سطوح واقع شده است (به بند ۹۴ مراجعه شود). انتقال به سطح ۳ باید جدا از انتقال از سطح ۳ افشا و تشریح شود.
- ج. برای اندازه گیریهای متناوب ارزش منصفانه که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه بندی می شود، جمع سودها یا زیانهای طی دوره در قسمت (ث) (۱) در صورت سود و زیان، که قابل انتساب به تغییر در سودها یا زیانهای تحقق نیافته مربوط به داراییها و بدهیهای نگهداری شده در پایان دوره گزارشگری است، و قلم یا اقلام اصلی صورت سود و زیان که سودها یا زیانهای تحقق نیافته مزبور در آن (ها) شناسایی می شود.
- چ. برای اندازه گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه بندی می شود، شرحی از فرایندهای ارزشیابی مورد استفاده واحد تجاری (برای مثال، شامل نحوه تصمیم گیری واحد تجاری درباره خط مشی ها و روشهای ارزشیابی آن و نحوه تجزیه و تحلیل تغییر در اندازه گیریهای ارزش منصفانه در دوره های مختلف).
- ح. برای اندازه گیریهای متناوب ارزش منصفانه که در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه بندی می شود:
۱. برای تمام این اندازه گیریها، شرحی از حساسیت اندازه گیری ارزش منصفانه به تغییر در داده های ورودی غیر قابل مشاهده، مشروط بر اینکه تغییر در آن داده های ورودی به میزان قابل ملاحظه ای ارزش منصفانه را بالاتر یا پایین تر اندازه گیری کند. اگر بین این داده های ورودی و سایر داده های ورودی غیر قابل مشاهده مورد استفاده در اندازه گیری ارزش منصفانه، روابط درونی وجود داشته باشد، واحد تجاری باید شرحی از آن روابط درونی و نحوه کاهش یا تشدید اثر تغییر در داده های ورودی غیر قابل مشاهده بر اندازه گیری ارزش منصفانه را ارائه کند. به منظور انطباق با الزامات افشا، تشریح حساسیت به تغییر در داده های ورودی غیر قابل مشاهده باید حداقل شامل داده های ورودی غیر قابل مشاهده افشاشده در انطباق با قسمت (ت) باشد.
 ۲. در مورد داراییهای مالی و بدهیهای مالی، اگر تغییر یک یا چند داده ورودی غیر قابل مشاهده به مبلغی معین منجر شود، فروضات دیگری که بطور معقول محتمل است، ارزش منصفانه را بطور قابل توجهی تغییر دهد، واحد تجاری باید این



موضوع را بیان و اثر آن تغییرات را افشا کند. واحد تجاری باید نحوه محاسبه اثر یک تغییر جهت انعکاس مفروضات دیگری که بطور معقول محتمل است را افشا کند. برای این منظور، اهمیت باید با توجه به سود یا زیان دوره و مجموع داراییها یا مجموع بدهیها یا هنگام شناسایی تغییرات ارزش منصفانه در سایر اقلام سود و زیان جامع، نسبت به کل حقوق مالکانه مورد قضاوت قرار گیرد.

خ. در صورتی که بیشترین و بهترین استفاده از دارایی غیرمالی با استفاده فعلی آن متفاوت باشد، برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه، واحد تجاری باید این موضوع و دلیل استفاده از دارایی غیرمالی به شیوه‌ای متفاوت از بیشترین و بهترین استفاده را افشا کند.

۹۳. واحد تجاری باید طبقه‌های مناسب داراییها و بدهیها را بر مبنای موارد زیر تعیین کند:

الف. ماهیت، ویژگیها و ریسکهای دارایی یا بدهی؛ و

ب. سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه که اندازه‌گیری ارزش منصفانه در آن سطح طبقه‌بندی می‌شود.

تعداد طبقه‌های بیشتر ممکن است برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه طبقه‌بندی‌شده در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه ضرورت یابد، زیرا درجه عدم اطمینان و ذهنی بودن این اندازه‌گیریها بیشتر است. تعیین طبقه‌های مناسب داراییها و بدهیها که در مورد آنها اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه باید افشا شود، مستلزم قضاوت است. یک طبقه از داراییها و بدهیها در مقایسه با اقلام اصلی ارائه‌شده در صورت وضعیت مالی، اغلب مستلزم تفکیک بیشتر است. با وجود این، واحد تجاری برای تطبیق با اقلام اصلی ارائه‌شده در صورت وضعیت مالی باید اطلاعات کافی را ارائه کند. چنانچه استاندارد حسابداری دیگری، طبقه‌ای را برای یک دارایی یا یک بدهی مشخص کند، در صورتی که آن طبقه الزامات این بند را احراز نماید، واحد تجاری ممکن است برای ارائه الزامات افشای این استاندارد، از آن طبقه استفاده کند.

۹۴. واحد تجاری باید طبق بند ۹۲(پ) و (ث)(۴)، رویه خود برای تعیین زمانی که فرض می‌شود انتقال بین سطوح سلسله مراتب ارزش منصفانه واقع شده است را افشا کند و بطور یکنواخت بکار گیرد. رویه زمانبندی شناسایی انتقالها، باید برای انتقال به سطوح مختلف و انتقال از سطوح مختلف یکسان باشد. مثالهایی در ارتباط با رویه‌های تعیین زمانبندی انتقالها، شامل موارد زیر است:

الف. تاریخ رویداد یا تغییر در شرایط که موجب انتقال شده است.

ب. ابتدای دوره گزارشگری.

پ. پایان دوره گزارشگری.

۹۵. اگر واحد تجاری، به منظور استفاده از استثنای مندرج در بند ۴۸، یک رویه حسابداری را انتخاب کند، باید این موضوع را افشا کند.

۹۶. واحد تجاری باید برای هر یک از طبقه‌های داراییها و بدهیها که در صورت وضعیت مالی به ارزش منصفانه اندازه‌گیری نمی‌شود، اما ارزش منصفانه آن افشا می‌گردد، اطلاعات الزامی طبق بند ۹۲(ب)، (ت) و (خ) را افشا کند. با وجود این، واحد تجاری ملزم به ارائه افشاهای کمی الزامی طبق بند ۹۲(ت) در خصوص داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده با اهمیت مورد استفاده در اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه طبقه‌بندی‌شده در سطح ۳ سلسله مراتب ارزش منصفانه نیست. واحد تجاری برای چنین داراییها و بدهیهای، سایر افشاهای الزامی طبق این استاندارد را ارائه می‌کند.

۹۷. درخصوص یک بدهی که به ارزش منصفانه، اندازه‌گیری و همراه با تضمینهای اعتبار جانشدنی اشخاص ثالث منتشر شده است، ناشر باید وجود تضمین اعتبار و اینکه در اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی منعکس گردیده است یا خیر را افشا کند.

۹۸. واحد تجاری باید افشاهای کمی الزامی طبق این استاندارد را به شکل جدول ارائه کند، مگر اینکه شکل دیگر ارائه مناسب‌تر باشد.

تاریخ اجرا

۹۹. الزامات این استاندارد در مورد کلیه صورتهای مالی که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ و بعد از آن شروع می‌شود، لازم‌الاجراست.

مطابقت با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

۱۰۰. با اجرای الزامات این استاندارد، مفاد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۳ اندازه‌گیری ارزش منصفانه (ویرایش ۲۰۱۸) نیز رعایت می‌شود.

پیوست الف

اصطلاحات تعریف شده

این پیوست، بخش بداندشنی این استاندارد مسابداری است.

بازار فعال	بازاری که در آن، معاملات دارایی یا بدهی، به دفعات و حجمی انجام می‌شود که برای ارائه مستمر اطلاعات قیمت‌گذاری کافی است.
رویکرد بهای تمام شده	یک تکنیک ارزشیابی که منعکس‌کننده مبلغی است که در حال حاضر برای جایگزین کردن ظرفیت ارائه خدمت یک دارایی (که اغلب بهای جایگزینی جاری نامیده می‌شود) مورد نیاز است.
قیمت ورودی	قیمتی که در یک عملیات مبادله‌ای، بابت تحصیل یک دارایی، پرداخت یا برای تقبل یک بدهی، دریافت می‌شود.
عملیات مبادله‌ای	عملیاتی که در آن، یک واحد تجاری دارایی را دریافت یا بدهی را تقبل می‌کند و در ازای آن، ارزش تقریباً برابری را به شخص دیگر انتقال می‌دهد.
قیمت خروجی	قیمتی که بابت فروش یک دارایی، دریافت یا برای انتقال یک بدهی، پرداخت می‌شود.
جریانهای نقدی مورد انتظار	میانگین موزون‌شده بر اساس احتمالات (یعنی میانگین توزیع) جریانهای نقدی آتی.
ارزش منصفانه	قیمتی که بابت فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای نظام‌مند بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود.
بیشترین و بهترین استفاده	استفاده‌ای از یک دارایی غیرمالی توسط فعالان بازار که ارزش دارایی یا گروه داراییها و بدهیها (برای مثال، یک فعالیت تجاری) که دارایی در آن قرار دارد را حداکثر می‌کند.
رویکرد درآمد	تکنیکهای ارزشیابی که مبالغ آتی (برای مثال، جریانهای نقدی یا درآمدها و هزینه‌ها) را به یک مبلغ جاری واحد (یعنی تنزیل‌شده) تبدیل می‌کند. اندازه‌گیری ارزش منصفانه بر مبنای ارزشی تعیین می‌شود که نشان‌دهنده انتظارات فعلی بازار درباره آن مبالغ آتی است.
داده‌های ورودی	مفروضاتی، شامل مفروضات درباره ریسک، که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی بکار می‌گیرند، مانند:
	الف. ریسک ذاتی تکنیک ارزشیابی خاص مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه (مانند مدل قیمت‌گذاری)؛ و
	ب. ریسک ذاتی داده‌های ورودی تکنیک ارزشیابی.
	داده‌های ورودی ممکن است قابل مشاهده یا غیرقابل مشاهده باشند.
داده‌های ورودی سطح ۱	قیمتهای اعلام‌شده (تعدیل‌نشده) در بازارهای فعال برای داراییها یا بدهیهای همانند که واحد تجاری می‌تواند در تاریخ اندازه‌گیری به آنها دست یابد.
داده‌های ورودی سطح ۲	داده‌های ورودی به غیر از قیمتهای اعلام‌شده در سطح ۱، که برای دارایی یا بدهی بطور مستقیم یا غیرمستقیم، قابل مشاهده هستند.
داده‌های ورودی سطح ۳	داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده برای دارایی یا بدهی.
رویکرد بازار	یک تکنیک ارزشیابی که در آن از قیمتها و سایر اطلاعات مربوط ایجادشده از طریق معاملات بازار درخصوص داراییهای همانند یا قابل مقایسه (یعنی مشابه)، بدهیهای همانند یا قابل مقایسه (یعنی مشابه) یا گروه داراییها و بدهیها، برای مثال یک فعالیت تجاری استفاده می‌شود.



داده‌های ورودی تأییدشده بازار داده‌های ورودی که اساساً با استفاده از روش همبستگی یا سایر روشها، از داده‌های ورودی قابل مشاهده بازار استخراج می‌شود یا توسط این داده‌ها تأیید می‌گردد.

فعالان بازار

خریداران و فروشندگان دارایی یا بدهی در بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) که دارای تمام ویژگیهای زیر هستند:

الف. آنها از یکدیگر مستقل هستند، یعنی اشخاص وابسته طبق تعریف استاندارد حسابداری ۱۲ نیستند؛ اگرچه، در صورتی که واحد تجاری شواهدی داشته باشد که معامله با اشخاص وابسته در شرایط بازار انجام شده است، قیمت در معامله با اشخاص وابسته ممکن است به عنوان یک داده ورودی در اندازه‌گیری ارزش منصفانه مورد استفاده قرار گیرد.

ب. آنها مطلع هستند؛ یعنی با استفاده از تمام اطلاعات در دسترس، شامل اطلاعاتی که به دست آوردن آن ممکن است نیازمند تلاشی معمول و نظام‌مند باشد، به درک معقولی از دارایی یا بدهی و معامله دست یافته‌اند.

پ. آنها توانایی انجام معامله دارایی یا بدهی را دارند.

ت. آنها مایل به انجام معامله دارایی یا بدهی هستند؛ یعنی برای انجام معامله انگیزه دارند اما مجبور یا وادار به انجام آن نشده‌اند.

بازار دارای بیشترین مزایا

بازاری که پس از در نظر گرفتن مخارج معامله و مخارج حمل، مبلغ قابل دریافت بابت فروش دارایی را حداکثر یا مبلغ قابل پرداخت برای انتقال بدهی را حداقل می‌کند.

ریسک عدم ایفای تعهد

ریسک اینکه یک واحد تجاری تعهدی را ایفا نکند. ریسک عدم ایفای تعهد شامل ریسک اعتباری خود واحد تجاری است، اما ممکن است محدود به آن نباشد.

داده‌های ورودی قابل مشاهده

داده‌های ورودی که با استفاده از داده‌های بازار، مانند اطلاعات در دسترس عموم درباره رویدادها یا معاملات واقعی، ایجاد می‌شوند و منعکس‌کننده مفروضاتی هستند که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی بکار می‌گیرند.

معامله نظام‌مند

معامله‌ای که فرض می‌شود در دوره‌ای پیش از تاریخ اندازه‌گیری، در معرض بازار قرار می‌گیرد تا انجام فعالیتهای بازاریابی مرسوم و معمول برای معامله این گونه داراییها یا بدهیها امکانپذیر شود. چنین معامله‌ای، اجباری نیست (مانند انحلال اجباری یا فروش اضطراری).

بازار اصلی

بازاری با بیشترین حجم و سطح فعالیت برای دارایی یا بدهی.

صرف ریسک

جبران تحمل عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی یک دارایی یا بدهی که فعالان ریسک‌گریز بازار خواستار آن هستند. به صرف ریسک، "تعدیل ریسک" نیز اطلاق می‌شود.

مخارج معامله

مخارج فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای دارایی یا بدهی، که بطور مستقیم قابل انتساب به واگذاری دارایی یا انتقال بدهی است و هر دو معیار زیر را احراز می‌کند:

الف. بطور مستقیم از معامله مزبور ناشی می‌شود و برای انجام معامله ضروری است.

ب. واحد تجاری تنها زمانی این مخارج را تحمل می‌کند که تصمیم به فروش دارایی یا انتقال بدهی گرفته باشد.

مخارج حمل

مخارجی که برای حمل دارایی از موقعیت مکانی فعلی به بازار اصلی آن (یا بازار دارای بیشترین مزایا) واقع می‌شود.

واحد حساب

سطح تجمیع یا تفکیک دارایی یا بدهی برای مقاصد شناخت طبق یک استاندارد حسابداری.

پیوست ب

رهنمود بکارگیری

این پیوست، بفش جدانشدنی این استاندارد مسابرداری است. در این پیوست کاربرد بندهای ۱ تا ۹۸ تشریح می‌شود و همانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم‌الاجرا است.

ب.۱. قضاوت‌های انجام‌شده در وضعیت‌های مختلف ارزشیابی ممکن است متفاوت باشد. در این پیوست قضاوت‌هایی تشریح می‌شود که واحد تجاری ممکن است هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه در وضعیت‌های مختلف ارزشیابی اعمال کند.

رویکرد اندازه‌گیری ارزش منصفانه

ب.۲. هدف از اندازه‌گیری ارزش منصفانه، برآورد قیمتی است که بر اساس آن، معامله‌ای نظام‌مند برای فروش دارایی یا انتقال بدهی بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاری بازار انجام می‌شود. اندازه‌گیری ارزش منصفانه واحد تجاری را ملزم به تعیین تمام موارد زیر می‌کند:

- الف. دارایی یا بدهی مشخصی که موضوع اندازه‌گیری است (مطابق با واحد حساب آن).
- ب. در مورد یک دارایی غیرمالی، پیش‌فرض ارزشیابی که برای اندازه‌گیری مناسب است (مطابق با بیشترین و بهترین استفاده).
- پ. بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) دارایی یا بدهی.
- ت. تکنیک (یا تکنیک‌های) ارزشیابی مناسب برای اندازه‌گیری، با در نظر گرفتن قابلیت دسترسی به داده‌های مورد استفاده برای ایجاد داده‌های ورودی که مفروضات مورد استفاده فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی و سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه که داده‌های ورودی در آن سطح طبقه‌بندی می‌شوند را منعکس می‌کند.

پیش‌فرض ارزشیابی برای دارایی‌های غیرمالی (بندهای ۳۱ تا ۳۳)

ب.۳. تأثیر پیش‌فرض ارزشیابی هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی غیرمالی که در ترکیب با سایر دارایی‌ها به عنوان یک گروه (پس از نصب یا سایر شیوه‌های آماده‌سازی برای استفاده) یا در ترکیب با سایر دارایی‌ها و بدهی‌ها (برای مثال، یک فعالیت تجاری) استفاده می‌شود، بستگی به شرایط دارد. برای مثال:

الف. یک دارایی، صرف‌نظر از اینکه بطور مستقل یا در ترکیب با سایر دارایی‌ها یا در ترکیب با سایر دارایی‌ها و بدهی‌ها مورد استفاده قرار گیرد، ارزش منصفانه آن ممکن است یکسان باشد. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد که دارایی مورد نظر، یک فعالیت تجاری باشد که فعالان بازار آن فعالیت را ادامه می‌دهند. در این صورت، معامله مستلزم ارزشیابی کلیت فعالیت تجاری است. استفاده از دارایی‌ها به عنوان یک گروه در یک فعالیت تجاری دارای تداوم، موجب هم‌افزایی‌هایی می‌شود که در دسترس فعالان بازار خواهد بود (یعنی هم‌افزایی‌های فعالان بازار که به این ترتیب، باید بر ارزش منصفانه دارایی مستقل یا دارایی در ترکیب با سایر دارایی‌ها یا در ترکیب با سایر دارایی‌ها و بدهی‌ها اثر بگذارد).

ب. استفاده از یک دارایی در ترکیب با سایر دارایی‌ها یا در ترکیب با سایر دارایی‌ها و بدهی‌ها ممکن است از طریق تعدیل ارزش آن دارایی، در صورت استفاده بطور مستقل، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه لحاظ شود. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد که دارایی مورد نظر یک دستگاه ماشین‌آلات است و اندازه‌گیری ارزش منصفانه آن با استفاده از قیمت مشاهده‌شده برای ماشین‌آلات مشابه (نصب نشده یا به شیوه‌ای دیگر، آماده استفاده نیست)، پس از تعدیل بابت مخارج حمل و نصب انجام می‌شود، به گونه‌ای که اندازه‌گیری ارزش منصفانه، وضعیت و موقعیت مکانی فعلی ماشین‌آلات (نصب‌شده و آماده‌سازی‌شده برای استفاده) را منعکس می‌کند.

پ. استفاده از یک دارایی در ترکیب با سایر دارایی‌ها یا در ترکیب با سایر دارایی‌ها و بدهی‌ها ممکن است از طریق مفروضات مورد استفاده فعالان بازار برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه آن دارایی، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه لحاظ شود. برای مثال، اگر دارایی، کالای در جریان ساخت خاصی است که فعالان بازار آن را به محصول نهایی تبدیل می‌کنند، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه آن موجودی کالا فرض می‌شود که فعالان بازار، ماشین‌آلات تخصصی لازم برای تبدیل آن کالای در جریان ساخت به محصول نهایی را تحصیل کرده‌اند یا تحصیل می‌کنند.

ت. استفاده از یک دارایی در ترکیب با سایر دارایی‌ها یا در ترکیب با سایر دارایی‌ها و بدهی‌ها ممکن است در تکنیک ارزشیابی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه آن دارایی لحاظ شود. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد که

از روش عایدات مازاد چنددوره‌ای برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی نامشهود استفاده شود.



ارزشیابی، مشارکت هر گونه دارایی مکمل و بدهی مربوط در گروهی که از چنین دارایی نامشهودی استفاده می شود، بطور خاص در نظر گرفته می شود.

ث. در وضعیتهای محدودتر، هنگامی که واحد تجاری از یک دارایی موجود در گروهی از داراییها استفاده می کند، واحد تجاری ممکن است با تخصیص ارزش منصفانه گروه داراییها به هر یک از داراییهای آن گروه، دارایی مزبور را به مبلغی نزدیک به ارزش منصفانه آن اندازه گیری کند. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد که ارزشیابی، دربردارنده املاک باشد و ارزش منصفانه املاک بهسازی شده (یعنی گروه دارایی) به داراییهای تشکیل دهنده آن (مانند زمین و مستحقات) تخصیص یابد.

ارزش منصفانه در شناخت اولیه (بندهای ۵۶ تا ۵۹)

ب۴. واحد تجاری هنگام تعیین اینکه ارزش منصفانه در شناخت اولیه با قیمت معامله برابر است یا خیر، باید عوامل مختص به آن معامله و عوامل مختص به آن دارایی یا بدهی را در نظر بگیرد. برای مثال، در صورت وجود هر یک از شرایط زیر، قیمت معامله ممکن است معرف ارزش منصفانه دارایی یا بدهی در شناخت اولیه نباشد:

الف. معامله بین اشخاص وابسته باشد، اگرچه، در صورتی که واحد تجاری شواهدی داشته باشد که معامله با اشخاص وابسته در شرایط بازار انجام شده است، قیمت در معامله با اشخاص وابسته ممکن است به عنوان یک داده ورودی در اندازه گیری ارزش منصفانه مورد استفاده قرار گیرد.

ب. معامله به اجبار انجام شود یا فروشنده مجبور به پذیرش قیمت معامله باشد. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد که فروشنده با مشکلات مالی مواجه است.

پ. واحد حساب لحاظ شده در تعیین قیمت معامله با واحد حساب دارایی یا بدهی اندازه گیری شده به ارزش منصفانه متفاوت باشد. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد که دارایی یا بدهی اندازه گیری شده به ارزش منصفانه، تنها یکی از عناصر معامله باشد (برای مثال، در یک ترکیب تجاری) که در این صورت، معامله دربردارنده حقوق و امتیازات اظهارنشده ای است که طبق استاندارد حسابداری دیگری، جداگانه اندازه گیری می شود یا قیمت معامله شامل مخارج معامله است.

ت. بازاری که معامله در آن انجام می شود، از بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) متفاوت باشد. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد که واحد تجاری، معامله گری باشد که در بازار خرده فروشی با مشتریان معامله می کند، اما بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای معامله خروجی با سایر معامله گران، بازار معامله گری باشد که در این صورت ممکن است این بازارها متفاوت باشند.

تکنیکهای ارزشیابی (بندهای ۶۰ تا ۶۵)

رویکرد بازار

ب۵. رویکرد بازار، از قیمتها و سایر اطلاعات مربوط ایجاد شده از معاملات بازار برای داراییهای همانند یا قابل مقایسه (یعنی مشابه)، بدهیهای همانند یا قابل مقایسه (یعنی مشابه)، یا گروه داراییها و بدهیها (برای مثال یک فعالیت تجاری) استفاده می کند.

ب۶. برای مثال، در تکنیکهای ارزشیابی سازگار با رویکرد بازار، اغلب از ضرایب بازار استفاده می شود که این ضرایب، از مجموعه ای از اقلام قابل مقایسه حاصل می گردد. ضرایب ممکن است در دامنه هایی از ضرایب متفاوت برای هر قلم قابل مقایسه باشد. انتخاب ضریب مناسب در دامنه ای از ضرایب، مستلزم قضاوت با در نظر گرفتن عوامل کیفی و کمی مختص اندازه گیری است.

ب۷. قیمت گذاری ماتریسی، یکی از تکنیکهای ارزشیابی سازگار با رویکرد بازار است. قیمت گذاری ماتریسی، یک تکنیک ریاضی است که در این تکنیک اساساً برای تعیین ارزش برخی انواع ابزارهای مالی مانند ابزارهای بدهی، بدون اتکای محض بر قیمت های اعلام شده برای اوراق بهادار خاص، بر رابطه اوراق بهادار با سایر اوراق بهادار مبنا که دارای قیمت اعلام شده است نیز اتکا می شود.

رویکرد بهای تمام شده

ب۸. رویکرد بهای تمام شده، مبلغی را منعکس می کند که در حال حاضر برای جایگزین کردن ظرفیت ارائه خدمت یک دارایی (که اغلب بهای جایگزینی جاری نامیده می شود) مورد نیاز است.

ب۹. از دیدگاه فروشنده فعال در بازار، قیمتی که بابت فروش یک دارایی دریافت می شود، مبتنی بر بهایی است که خریدار فعال در بازار، برای تحصیل یا ساخت دارایی جایگزین با مطلوبیت مشابه، پس از تعادل با بهای ناموجود، مورد نیاز در این موضوع است.



که خریدار فعال در بازار، حاضر به پرداخت مبلغی بیش از مبلغ جایگزین کردن ظرفیت ارائه خدمت آن دارایی نیست. نابابی شامل نابابی فیزیکی، نابابی کارکردی (فناوری) و نابابی اقتصادی (برون‌سازمانی) است و فراتر از استهلاک برای مقاصد گزارشگری مالی (تخصیص بهای تمام شده تاریخی) یا مقاصد مالیاتی (استفاده از عمر ارائه خدمت معین) است. در بسیاری از موارد، روش بهای جایگزینی جاری برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه داراییهای مشهودی بکار می‌رود که در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

رویکرد درآمد

ب ۱۰. در رویکرد درآمد، مبالغ آتی (برای مثال، جریانهای نقدی یا درآمدها و هزینه‌ها) به یک مبلغ جاری واحد (یعنی تنزیل شده) تبدیل می‌شود. در صورت استفاده از رویکرد درآمد، اندازه‌گیری ارزش منصفانه بر مبنای ارزشی تعیین می‌شود که نشان‌دهنده انتظارات فعلی بازار درباره آن مبالغ آتی است.

ب ۱۱. تکنیکهای ارزشیابی این رویکرد، برای مثال، شامل موارد زیر است:
الف. تکنیکهای ارزش فعلی (به بندهای ب ۱۲ تا ب ۳۰ مراجعه شود)؛
ب. مدلهای قیمت‌گذاری اختیار معامله، نظیر فرمول بلک شولز-مرتین یا مدل دوجمله‌ای (یعنی مدل شبکه)، که در آن از تکنیکهای ارزش فعلی استفاده می‌شود و ارزش زمانی و ارزش ذاتی یک اختیار معامله را منعکس می‌کند؛ و
پ. روش عایدات مازاد چنددوره‌ای که برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه برخی داراییهای نامشهود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تکنیکهای ارزش فعلی

ب ۱۲. در بندهای ب ۱۳ تا ب ۳۰، استفاده از تکنیکهای ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه تشریح می‌شود. در این بندها، بر تکنیک تعدیل نرخ تنزیل و تکنیک جریانهای نقدی مورد انتظار (ارزش فعلی مورد انتظار) تأکید می‌شود. در بندهای مورد اشاره، استفاده از یک تکنیک ارزش فعلی خاص تجویز نمی‌شود و استفاده از تکنیکهای ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، به تکنیکهای اشاره‌شده محدود نمی‌گردد. تکنیک ارزش فعلی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، به واقعیتها و شرایط مختص دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری (برای مثال، اینکه قیمت داراییها یا بدهیهای قابل مقایسه، در بازار قابل مشاهده است یا خیر) و دسترسی به داده‌های کافی بستگی دارد.

اجزای اندازه‌گیری ارزش فعلی

ب ۱۳. ارزش فعلی (یعنی یکی از تکنیکهای بکارگیری رویکرد درآمد)، ابزاری است که برای مرتبط کردن مبالغ آتی (مانند ارزشها یا جریانهای نقدی) به مبلغ فعلی با استفاده از نرخ تنزیل، بکار می‌رود. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی یا یک بدهی با استفاده از تکنیک ارزش فعلی، تمام عناصر زیر از دیدگاه فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شود:
الف. برآورد جریانهای نقدی آتی دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری.

ب. انتظارات درباره تغییرات احتمالی مبلغ و زمانبندی جریانهای نقدی که منعکس‌کننده عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی است.

پ. ارزش زمانی پول، که از طریق نرخ داراییهای پولی بدون ریسکی نشان داده می‌شود که تاریخ سررسید یا دوره آنها با دوره جریانهای نقدی مطابقت دارد و برای دارنده آن، عدم اطمینان در زمانبندی و ریسک نکول وجود ندارد (یعنی نرخ بازده بدون ریسک).

ت. قیمت برای تحمل عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی (یعنی صرف ریسک).

ث. سایر عواملی که فعالان بازار در آن شرایط در نظر می‌گیرند.

ج. در مورد بدهی، ریسک عدم ایفای تعهد مربوط به آن بدهی، شامل ریسک اعتباری خود واحد تجاری (یعنی ریسک خود ناشر).

اصول کلی

ب ۱۴. تکنیکهای ارزش فعلی، در نحوه بکارگیری عناصر مندرج در بند ب ۱۳، متفاوت هستند. با وجود این، تمام اصول کلی زیر، در بکارگیری تکنیکهای ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه حاکم است:



الف. جریانهای نقدی و نرخهای تنزیل باید مبتنی بر مفروضاتی باشد که فعالان بازار هنگام قیمت گذاری دارایی یا بدهی بکار می گیرند.

ب. جریانهای نقدی و نرخهای تنزیل باید تنها عوامل قابل انتساب به دارایی یا بدهی مورد اندازه گیری را در نظر بگیرند.
پ. برای اجتناب از احتساب مضاعف یا حذف آثار عوامل ریسک، نرخهای تنزیل باید مفروضاتی را منعکس کند که با مفروضات مرتبط با جریانهای نقدی سازگار است. برای مثال، در صورت استفاده از جریانهای نقدی قراردادی وام، نرخ تنزیلی مناسب است که منعکس کننده عدم اطمینان درباره انتظارات مرتبط با نكولهای آتی است (یعنی تکنیک تعدیل نرخ تنزیل). در صورتی که از جریانهای نقدی موردانتظار (یعنی موزون شده بر اساس احتمالات) استفاده شود (یعنی تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار)، نباید از همان نرخ استفاده کرد زیرا مفروضات مرتبط با عدم اطمینان درباره نكولهای آتی، از قبل در جریانهای نقدی مورد انتظار منعکس شده است؛ در مقابل، باید از نرخ تنزیلی استفاده کرد که با ریسک جریانهای نقدی مورد انتظار متناسب است.

ت. مفروضات مرتبط با جریانهای نقدی و نرخهای تنزیل باید سازگاری درونی داشته باشند. برای مثال، جریانهای نقدی اسمی که شامل اثر تورم است، باید با نرخی تنزیل شود که اثر تورم در آن لحاظ شده است. نرخ بازده اسمی بدون ریسک، شامل اثر تورم است. جریانهای نقدی واقعی، که اثر تورم از آن خارج شده است، باید با نرخی تنزیل شود که اثر تورم را در بر ندارد. به همین ترتیب، جریانهای نقدی پس از مالیات باید با استفاده از نرخ تنزیل پس از مالیات تنزیل شود و جریانهای نقدی پیش از مالیات باید با نرخی تنزیل شود که با آن جریانهای نقدی سازگار است.

ث. نرخهای تنزیل باید با عوامل زیربنایی اقتصادی آن واحد پولی که جریانهای نقدی برحسب آن بیان می شود، سازگار باشد.

ریسک و عدم اطمینان

ب۱۵. اندازه گیری ارزش منصفانه با استفاده از تکنیکهای ارزش فعلی، در شرایط عدم اطمینان انجام می شود زیرا جریانهای نقدی مورد استفاده، به جای آنکه مبالغ واقعی باشند، مبالغ برآوردی هستند. در بسیاری از موارد، هم مبلغ و هم زمانبندی جریانهای نقدی نامطمئن است. حتی مبالغ ثابت قراردادی، مانند پرداختهای مربوط به وام، در صورت وجود ریسک نکول، نامطمئن است.

ب۱۶. فعالان بازار معمولاً خواستار جبران (یعنی صرف ریسک) تحمل عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی دارایی یا بدهی هستند. اندازه گیری ارزش منصفانه باید شامل صرف ریسکی باشد که منعکس کننده مبلغ مورد تقاضای فعالان بازار به عنوان جبران عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی است. در غیر این صورت، این اندازه گیری، ارزش منصفانه را بطور صادقانه بیان نخواهد کرد. در برخی موارد، تعیین صرف ریسک مناسب ممکن است دشوار باشد. با وجود این، درجه دشواری، به تنهایی دلیل کافی برای در نظر نگرفتن صرف ریسک نیست.

ب۱۷. تکنیکهای ارزش فعلی، از نظر نحوه تعدیل بابت ریسک و نوع جریانهای نقدی مورد استفاده، با یکدیگر تفاوت دارند. برای مثال:

الف. در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل (به بندهای ب۱۸ تا ب۲۲ مراجعه شود) از نرخ تنزیل تعدیل شده بابت ریسک و جریانهای نقدی قراردادی، تعهدشده یا محتمل ترین جریانهای نقدی استفاده می شود.

ب. در روش اول تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار (به بند ب۲۵ مراجعه شود)، از جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل شده بابت ریسک و نرخ بدون ریسک استفاده می شود.

پ. در روش دوم تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار (به بند ب۲۶ مراجعه شود)، از جریانهای نقدی مورد انتظار که بابت ریسک تعدیل نشده است و نرخ تنزیل تعدیل شده‌ای که صرف ریسک مورد درخواست فعالان بازار را دربردارد، استفاده می شود. این نرخ، با نرخ مورد استفاده در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل، تفاوت دارد.

تکنیک تعدیل نرخ تنزیل

ب۱۸. در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل، از مجموعه واحدی از جریانهای نقدی که در دامنه‌ای از مبالغ برآوردی احتمالی قرار

می گیرد، اعم از جریانهای نقدی قراردادی یا تعهدشده (مانند جریانهای نقدی مرتبط با اوراق مشارکت) یا محتمل ترین جریانهای نقدی استفاده می شود. در تمام موارد، این جریانهای نقدی مشروط به وقوع رویدادهای خاصی است (برای مثال،



جریانهای نقدی قراردادی یا تعهدشده برای اوراق مشارکت، مشروط به عدم نکول توسط ناشر است). نرخ تنزیل مورد استفاده در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل، از نرخهای بازده مشاهده شده برای داراییها یا بدهیهای قابل مقایسه که در بازار معامله می‌شوند، استنتاج می‌شود. به همین ترتیب، جریانهای نقدی قراردادی، تعهدشده یا محتمل‌ترین جریانهای نقدی، با نرخ بازار مشاهده شده یا برآورده شده برای چنین جریانهای نقدی مشروطی، تنزیل می‌شوند (یعنی نرخ بازده بازار).

ب ۱۹. تکنیک تعدیل نرخ تنزیل، مستلزم تجزیه و تحلیل داده‌های بازار برای داراییها یا بدهیهای قابل مقایسه است. قابلیت مقایسه، با توجه به ماهیت جریانهای نقدی (برای مثال اینکه جریانهای نقدی، قراردادی یا غیرقراردادی است و احتمال واکنش مشابه آنها در مقابل تغییر شرایط اقتصادی وجود دارد یا خیر)، و همچنین سایر عوامل (مانند وضعیت اعتباری، وثیقه، مدت، شرایط محدودکننده و نقدشوندگی) تعیین می‌شود. به عنوان راهکار جایگزین، چنانچه تنها یک دارایی یا یک بدهی قابل مقایسه، ریسک ذاتی در جریانهای نقدی دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری را بطور منصفانه منعکس نکند، ممکن است با استفاده از داده‌های چندین دارایی یا بدهی قابل مقایسه مرتبط با منحنی بازده بدون ریسک، نرخ تنزیل را استنتاج کرد (یعنی استفاده از رویکرد "استنتاجی").

ب ۲۰. برای تشریح رویکرد استنتاجی، فرض کنید دارایی الف، حق قراردادی نسبت به دریافت ۸۰۰ واحد پول^۱ در یک سال دارد (یعنی عدم اطمینان در زمانبندی وجود ندارد). برای داراییهای قابل مقایسه بازار سازمان‌یافته‌ای وجود دارد و اطلاعات درباره این داراییها، شامل اطلاعات قیمت، در دسترس است. اطلاعات زیر در مورد داراییهای قابل مقایسه در دسترس می‌باشد:

الف. دارایی ب، حق قراردادی نسبت به دریافت ۱۲۰۰ واحد پول در یک سال دارد و قیمت بازار آن ۱۰۸۳ واحد پول است. بنابراین، نرخ بازده ضمنی سالانه (یعنی نرخ بازده یکساله بازار) $10/8\%$ درصد $[1 - (10/83) \div 1200]$ واحد پول $\div$ ۱۲۰۰ واحد پول می‌باشد.

ب. دارایی پ، حق قراردادی نسبت به دریافت ۷۰۰ واحد پول در دو سال دارد و قیمت بازار آن ۵۶۶ واحد پول است. بنابراین، نرخ بازده ضمنی سالانه (یعنی نرخ بازده دوساله بازار) $11/2\%$ درصد $[1 - (5/566)^{1/2} \div 700]$ واحد پول $\div$ ۷۰۰ واحد پول می‌باشد.

پ. هر سه دارایی از نظر ریسک (یعنی پراکندگی اعتبار و بازده احتمالی) قابل مقایسه هستند.

ب ۲۱. بر مبنای مقایسه زمانبندی مبالغ قراردادی قابل دریافت مربوط به دارایی الف با زمانبندی مربوط به دارایی ب و دارایی پ (یعنی یک سال برای دارایی ب در مقابل دو سال برای دارایی پ)، به نظر می‌رسد دارایی ب قابلیت مقایسه بیشتری با دارایی الف دارد. با استفاده از مبالغ قراردادی قابل دریافت مربوط به دارایی الف (۸۰۰ واحد پول) و نرخ بازده یکساله بازار دارایی ب ($10/8\%$ درصد)، ارزش منصفانه دارایی الف ۷۲۲ واحد پول $(800 \div 1/108)$ است. به عنوان راهکار جایگزین، در صورت نبود اطلاعات بازار در دسترس برای دارایی ب، نرخ بازده یکساله بازار را می‌توان از دارایی پ و با استفاده از رویکرد استنتاجی استخراج کرد. در این مورد، نرخ بازده دوساله بازار مربوط به دارایی پ ($11/2\%$ درصد) با استفاده از ساختار زمانی منحنی بازده بدون ریسک تعدیل می‌شود تا به نرخ بازده یکساله بازار برسد. برای تعیین یکسان بودن صرف ریسک داراییهای یکساله و دوساله، ممکن است اطلاعات و تجزیه و تحلیل بیشتری مورد نیاز باشد. اگر مشخص شود صرف ریسک داراییهای یکساله و دوساله یکسان نیست، نرخ بازده دوساله بازار در اثر این موضوع نیاز به تعدیل بیشتری خواهد داشت.

ب ۲۲. هنگامی که تکنیک تعدیل نرخ تنزیل برای دریافتها یا پرداختهای ثابت بکار گرفته می‌شود، نرخ تنزیل بابت ریسک ذاتی در جریانهای نقدی دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری، تعدیل می‌شود. در برخی کاربردهای تکنیک تعدیل نرخ تنزیل برای جریانهای نقدی که دریافتها یا پرداختهای ثابت نیستند، تعدیل جریانهای نقدی ممکن است به منظور دستیابی به قابلیت مقایسه با دارایی یا بدهی مشاهده شده که نرخ تنزیل از آن استنتاج شده است، ضروری باشد.

تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار

ب ۲۳. در تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، به عنوان نقطه شروع، مجموعه‌ای از جریانهای نقدی که میانگین موزون شده بر اساس احتمالات تمام جریانهای نقدی آتی احتمالی (یعنی جریانهای نقدی مورد انتظار) است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. برآورد حاصل برابر است با ارزش مورد انتظار که از نظر آماری، میانگین موزون مقادیر احتمالی متغیر گسسته تصادفی است که با احتمالات متناظر با آن مقادیر موزون شده است. از آنجا که تمام جریانهای نقدی احتمالی، موزون شده بر اساس احتمالات هستند، جریانهای نقدی مورد انتظار حاصل، مشروط به وقوع هیچ رویداد خاصی نیست (برخلاف جریانهای نقدی مورد استفاده در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل).

ب ۲۴. فعالان ریسک گریز بازار، هنگام اتخاذ تصمیم سرمایه گذاری، ریسک اینکه ممکن است جریانهای نقدی واقعی با جریانهای نقدی مورد انتظار تفاوت داشته باشد را در نظر می گیرند. تئوری پرتفوی بین دو نوع ریسک زیر تمایز قائل می شود:

الف. ریسک غیرسیستماتیک (تنوع پذیر) که ریسک مختص یک دارایی یا یک بدهی مشخص است.

ب. ریسک سیستماتیک (تنوع ناپذیر) که ریسک عمومی است که توسط یک دارایی یا یک بدهی با سایر اقلام موجود در یک پرتفوی متنوع به اشتراک گذاشته می شود.

طبق تئوری پرتفوی، در یک بازار تعادلی، فعالان بازار تنها بابت تحمل ریسک سیستماتیک ذاتی در جریانهای نقدی، پاداش دریافت می کنند (در بازارهای ناکارا یا غیر تعادلی، سایر اشکال بازده یا پاداش ممکن است در دسترس باشد).

ب ۲۵. در روش اول تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، جریانهای نقدی مورد انتظار دارایی، از طریق کسر کردن صرف ریسک نقدی بابت ریسک سیستماتیک (یعنی ریسک بازار) تعدیل می شود (یعنی جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل شده بابت ریسک). این جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل شده بابت ریسک، بیانگر جریانهای نقدی معادل قطعی است که با نرخ بازده بدون ریسک تنزیل می شود. منظور از جریانهای نقدی معادل قطعی، جریانهای نقدی مورد انتظاری (طبق تعریف) است که به گونه ای بابت ریسک تعدیل شده است که فعال بازار برای مبادله بین جریانهای نقدی قطعی و جریانهای نقدی مورد انتظار بی تفاوت می شود. برای مثال، اگر فعال بازار بخواهد جریانهای نقدی مورد انتظار معادل ۱۲۰۰ واحد پول را با جریانهای نقدی قطعی معادل ۱۰۰۰ واحد پول مبادله کند، جریانهای نقدی معادل قطعی آن ۱۲۰۰ واحد پول، ۱۰۰۰ واحد پول است (یعنی ۲۰۰ واحد پول، بیانگر صرف ریسک نقدی است). در این حالت، فعال بازار نسبت به نگهداری این دارایی بی تفاوت است.

ب ۲۶. در مقابل، در روش دوم تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، تعدیل بابت ریسک سیستماتیک (یعنی ریسک بازار) از طریق افزودن صرف ریسک به نرخ بازده بدون ریسک صورت می گیرد. به همین ترتیب، جریانهای نقدی مورد انتظار با نرخی تنزیل می شود که با نرخ مورد انتظار مرتبط با جریانهای نقدی موزون شده بر اساس احتمالات (یعنی نرخ بازده مورد انتظار) مطابقت دارد. برای برآورد نرخ بازده مورد انتظار، می توان از مدلهای مرتبط با قیمت گذاری داراییهای ریسکی، مانند مدل قیمت گذاری داراییهای سرمایه ای، استفاده کرد. از آنجا که نرخ تنزیل مورد استفاده در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل، نرخ بازده مرتبط با جریانهای نقدی مشروط است، احتمالاً این نرخ از نرخ تنزیل مورد استفاده در روش دوم تکنیک ارزش فعلی که نرخ بازده مورد انتظار مرتبط با میانگین موزون شده بر اساس احتمالات جریانهای نقدی یا جریانهای نقدی مورد انتظار است، بیشتر می باشد.

ب ۲۷. به منظور تشریح روشهای ۱ و ۲، فرض کنید جریانهای نقدی مورد انتظار یک دارایی در یک سال ۷۸۰ واحد پول است که بر اساس جریانهای نقدی احتمالی و احتمالات زیر تعیین شده است. نرخ بازده بدون ریسک یکساله برای جریانهای نقدی، ۵ درصد و صرف ریسک سیستماتیک برای دارایی با ریسک یکسان، ۳ درصد است.

جریانهای نقدی احتمالی	احتمال	جریانهای نقدی موزون شده بر اساس احتمالات
۵۰۰ واحد پول	٪۱۵	۷۵ واحد پول
۸۰۰ واحد پول	٪۶۰	۴۸۰ واحد پول
۹۰۰ واحد پول	٪۲۵	۲۲۵ واحد پول
جریانهای نقدی مورد انتظار		۷۸۰ واحد پول

ب ۲۸. در این مثال تشریحی ساده، جریانهای نقدی مورد انتظار (۷۸۰ واحد پول)، میانگین موزون شده بر اساس احتمالات را برای سه نتیجه محتمل نشان می دهد. در شرایط واقع بینانه تر، نتایج محتمل بسیاری می تواند وجود داشته باشد. اما به منظور بکارگیری تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، لزومی ندارد که همواره توزیع تمام جریانهای نقدی محتمل با استفاده از مدلهای و تکنیکهای پیچیده به حساب گرفته شود؛ بلکه می توان تعداد محدودی از سناریوها و احتمالات مجزا را که دربرگیرنده جریانهای نقدی محتمل است، ایجاد کرد. برای مثال، واحد تجاری ممکن است از جریانهای نقدی تحقق یافته در برخی دوره های گذشته مرتبط، استفاده کند و آن را بابت تغییرات بعدی در شرایط (برای مثال، تغییر در عوامل برون سازمانی، شامل شرایط اقتصادی یا بازار، روندهای صنعت و رقابت و نیز تغییرات در عوامل درون سازمانی که واحد تجاری را بطور خاص تر تحت تأثیر قرار می دهد) و با در نظر گرفتن مفروضات فعالان بازار تعدیل نماید.



ب ۲۹. به لحاظ نظری، ارزش فعلی (یعنی ارزش منصفانه) جریانهای نقدی دارایی، صرف نظر از اینکه روش اول یا روش دوم مورد استفاده قرار گرفته باشد، یکسان است، زیرا:

الف. با استفاده از روش اول، جریانهای نقدی مورد انتظار، بابت ریسک سیستماتیک (یعنی ریسک بازار) تعدیل می شود. در صورت نبود داده های بازار که بطور مستقیم میزان تعدیل ریسک را نشان دهد، چنین تعدیلی را می توان از مدل قیمت گذاری داراییها که از مفهوم معادله های قطعی استفاده می کند، به دست آورد. برای مثال، تعدیل ریسک (یعنی صرف ریسک نقدی معادل ۲۲ واحد پول) را می توان با استفاده از صرف ریسک سیستماتیک ۳ درصد $[(1/0.8) \div (1/0.5) \times 780]$ واحد پول - ۷۸۰ واحد پول) تعیین کرد که منجر به جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل شده بابت ریسک به میزان ۷۵۸ واحد پول (۲۲ واحد پول - ۷۸۰ واحد پول) می شود. ۷۵۸ واحد پول، معادل قطعی ۷۸۰ واحد پول است که با نرخ بازده بدون ریسک (۵ درصد) تنزیل می شود. ارزش فعلی (ارزش منصفانه) دارایی، ۷۲۲ واحد پول $(758 \div 1.05)$ واحد پول) است.

ب. با استفاده از روش دوم، جریانهای نقدی مورد انتظار، بابت ریسک سیستماتیک (یا ریسک بازار) تعدیل نمی شود. بلکه تعدیل بابت آن ریسک در نرخ تنزیل منظور می گردد. بنابراین، جریانهای نقدی مورد انتظار، با نرخ بازده مورد انتظار ۸ درصد (یعنی ۵ درصد نرخ بازده بدون ریسک به علاوه ۳ درصد صرف ریسک سیستماتیک) تنزیل می شود. ارزش فعلی (ارزش منصفانه) دارایی ۷۲۲ واحد پول است $(780 \div 1.08)$ واحد پول).

ب ۳۰. هنگام استفاده از تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار برای اندازه گیری ارزش منصفانه، هر یک از روشهای اول و دوم را می توان بکار گرفت. انتخاب روش اول یا روش دوم، به واقعیتها و شرایط مختص دارایی یا بدهی مورد اندازه گیری، میزان در دسترس بودن داده های کافی و قضاوت های انجام شده بستگی دارد.

بکار گیری تکنیکهای ارزش فعلی برای بدهیها و ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، که توسط اشخاص دیگر به عنوان دارایی نگهداری نمی شود (بندهای ۴۰ و ۴۱)

ب ۳۱. هنگام استفاده از یک تکنیک ارزش فعلی برای اندازه گیری ارزش منصفانه یک بدهی که توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداری نمی شود (برای مثال، بدهی مربوط به برچیدن دارایی)، واحد تجاری باید در کنار سایر عوامل، جریانهای نقدی خروجی آتی مورد انتظار فعالان بازار برای ایفای آن تعهد را برآورد کند. این جریانهای نقدی خروجی آتی باید انتظارات فعالان بازار از مخارج ایفای تعهد و مابه ازایی که یک فعال بازار بابت ایفای این تعهد مطالبه می کند را منعکس نماید. چنین مابه ازایی شامل بازدهی است که یک فعال بازار بابت موارد زیر مطالبه می کند:

الف. بر عهده گرفتن انجام فعالیت (یعنی ارزش ایفای تعهد؛ برای مثال، با استفاده از منابعی که می توانست در فعالیتهای دیگر مورد استفاده قرار گیرد)؛ و

ب. تقبل ریسک مربوط به تعهد (یعنی صرف ریسکی که ریسک متفاوت بودن جریانهای نقدی خروجی واقعی و جریانهای نقدی خروجی مورد انتظار را منعکس می کند؛ به بند ب ۳۳ مراجعه شود).

ب ۳۲. برای مثال، بدهی غیر مالی دارای نرخ بازده قراردادی نیست و برای آن بدهی، بازده بازار قابل مشاهده وجود ندارد. در برخی موارد، اجزای بازدهی که فعالان بازار مطالبه می کنند، قابل تفکیک از یکدیگر نیست (برای مثال، هنگام استفاده از قیمتی که پیمانکار شخص ثالث بر مبنای حق الزحمه ثابت مطالبه می کند). در سایر موارد، برآورد جداگانه آن اجزا توسط واحد تجاری ضرورت می یابد (برای مثال، هنگام استفاده از قیمتی که پیمانکار شخص ثالث بر مبنای بهای تمام شده به اضافه چند درصد، مطالبه می کند؛ زیرا در این حالت، پیمانکار ریسک تغییرات آتی در مخارج را متحمل نمی شود).

ب ۳۳. واحد تجاری می تواند به یکی از روشهای زیر، صرف ریسک را در اندازه گیری ارزش منصفانه یک بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری که توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداری نمی شود، منظور کند:

الف. از طریق تعدیل جریانهای نقدی (یعنی افزایش در مبلغ جریانهای نقدی خروجی)؛ یا

ب. از طریق تعدیل نرخ مورد استفاده برای تنزیل جریانهای نقدی آتی به ارزش فعلی آنها (یعنی کاهش در نرخ تنزیل).

واحد تجاری باید اطمینان یابد که تعدیلات بابت ریسک، مضاعف به حساب گرفته نمی شود یا حذف نمی گردد. برای مثال، اگر

جریانهای نقدی برآوردی برای در نظر گرفتن مابه ازای تقبل ریسک مرتبط با تعهد افزایش یابد، نرخ تنزیل باید با استفاده از <https://hemattaraz.ir> یا <https://www.instagram.com/hemattaraz/> ریسک تعدیل شود.

داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی (بندهای ۶۶ تا ۷۰)

- ب ۳۴. نمونه بازارهایی که داده‌های ورودی آنها برای برخی داراییها و بدهیها (مانند ابزارهای مالی) قابل مشاهده است، شامل موارد زیر است:
- الف. بورس. در بورس، قیمت‌های پایانی هم به آسانی در دسترس است و هم عموماً بیانگر ارزش منصفانه می‌باشد. بورس اوراق بهادار تهران، مثالی در این مورد است.
- ب. بازارهای معامله‌گری. در بازار معامله‌گری، معامله‌گرها آماده انجام معامله هستند (خرید یا فروش به حساب خود). بنابراین، نقدشوندگی را با استفاده از سرمایه خود، برای نگهداری مجموعه اقلامی که برای آنها بازسازی می‌کنند، فراهم می‌نمایند. معمولاً قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش (که به ترتیب، بیانگر قیمتی است که معامله‌گر، مایل به خرید به آن قیمت است و قیمتی که معامله‌گر، مایل به فروش به آن قیمت است) نسبت به قیمت‌های پایانی با سهولت بیشتری در دسترس است. بازارهای معامله‌گری در مورد برخی از سایر داراییها و بدهیها، شامل بعضی از ابزارهای مالی، کالاها و داراییهای فیزیکی (مانند تجهیزات دست دوم) نیز وجود دارد.
- پ. بازارهای کارگزاری. در بازار کارگزاری، کارگزاران تلاش می‌کنند تا بین خریداران و فروشندگان ارتباط برقرار کنند، اما آماده انجام معامله به حساب خود نیستند. به عبارت دیگر، کارگزاران از سرمایه شخصی خود برای نگهداری اقلامی که برای آن بازسازی می‌کنند، استفاده نمی‌کنند. کارگزار از قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش طرفهای معامله مطلع است، اما معمولاً طرفهای معامله از قیمت‌های مورد نظر یکدیگر بی‌اطلاع هستند. در این بازارها، قیمت معاملات انجام‌شده، برخی مواقع در دسترس است. بازارهای کارگزاری، شامل شبکه‌های ارتباط الکترونیکی که در آن سفارشهای خرید و فروش با یکدیگر تطبیق داده می‌شود و بازارهای املاک تجاری و مسکونی است.
- ت. بازارهای بدون واسطه. در بازار بدون واسطه، معاملات اولیه و فروشهای مجدد، به صورت مستقل و بدون واسطه مورد مذاکره قرار می‌گیرد. اطلاعات اندکی درباره این معاملات ممکن است در دسترس عموم باشد.

سلسله مراتب ارزش منصفانه (بندهای ۷۱ تا ۸۹)

داده‌های ورودی سطح ۲ (بندهای ۸۰ تا ۸۴)

- ب ۳۵. نمونه‌هایی از داده‌های ورودی سطح ۲ برای برخی داراییها و بدهیها شامل موارد زیر است:
- الف. سواپ نرخ سود با دریافت ثابت و پرداخت متغیر بر مبنای نرخ سواپ مبتنی بر نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن (لایبور). نرخ سواپ لایبور، در صورتی یک داده ورودی سطح ۲ محسوب می‌شود که در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ، برای بخش عمده‌ای از کل دوره سواپ قابل مشاهده باشد.
- ب. سواپ نرخ سود با دریافت ثابت و پرداخت متغیر بر مبنای منحنی بازده تعیین‌شده بر حسب ارزش. نرخ سواپ مبتنی بر منحنی بازده تعیین‌شده بر حسب ارزش، در صورتی یک داده ورودی سطح ۲ محسوب می‌شود که در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ، برای بخش عمده‌ای از کل دوره سواپ قابل مشاهده باشد. این مورد در صورتی مصداق دارد که برای مثال، دوره سواپ ۱۰ سال باشد و نرخ سواپ در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ، برای ۹ سال قابل مشاهده باشد، مشروط بر اینکه هرگونه استنباط معقول از منحنی بازده برای سال دهم، در کلیت اندازه گیری ارزش منصفانه سواپ، بااهمیت نباشد.
- پ. سواپ نرخ سود با دریافت ثابت و پرداخت متغیر بر مبنای یک نرخ پایه خاص بانکی. نرخ پایه بانکی، که با استفاده از استنباط استنتاج می‌شود، در صورتی یک داده ورودی سطح ۲ محسوب می‌گردد که ارزشهای استنباط‌شده، به وسیله داده‌های ورودی قابل مشاهده بازار، برای مثال، با استفاده از همبستگی با نرخ سودی که در بخش عمده‌ای از کل دوره سواپ قابل مشاهده است، تأیید شود.
- ت. اختیار معامله سه ساله سهام قابل معامله در بورس. در صورت وجود هر دو شرط زیر، نوسان مورد انتظار سهامی که از طریق استنباط تا سال سوم استنتاج می‌شود، یک داده ورودی سطح ۲ است:
۱. قیمت اختیار معامله یکساله و دوساله سهام، قابل مشاهده باشد.
 ۲. نوسان مورد انتظار استنباط شده اختیار معامله سه ساله، از طریق داده‌های ورودی قابل مشاهده بازار برای بخش عمده‌ای از کل دوره اختیار معامله تأیید شود.

در این حالت، نوسان مورد انتظار از طریق استنباط از نوسانهای مورد انتظار اختیار معامله یکساله و دوساله سهام، تعیین و به وسیله نوسان مورد انتظار اختیار معامله سه‌ساله سهام واحدهای تجاری قابل مقایسه تأیید می‌شود، مشروط بر اینکه با نوسانهای مورد انتظار یک ساله و دوساله همبستگی داشته باشد.

ث. **توافق حق امتیاز:** در توافق حق امتیاز که در ترکیب تجاری تحصیل شده است و اخیراً در مورد آن از جانب واحد تجاری تحصیل شده (طرف توافق حق امتیاز) با یک شخص غیروابسته مذاکره شده است، نرخ حق امتیاز در قرارداد با شخص غیروابسته در شروع توافق یک داده ورودی سطح ۲ است.

ج. **موجودی کلای فروشگاه خرده‌فروشی:** در مورد موجودی کلای تحصیل شده در ترکیب تجاری، داده ورودی سطح ۲ می‌تواند قیمت برای مشتریان در بازار خرده‌فروشی یا قیمت برای خرده‌فروشان در بازار عمده‌فروشی باشد که بابت تفاوت در وضعیت و موقعیت مکانی قلم موجودی و اقلام موجودی قابل مقایسه (یعنی مشابه)، تعدیل شده است؛ به گونه‌ای که اندازه‌گیری ارزش منصفانه، منعکس کننده قیمت قابل دریافت در معامله فروش موجودی به خرده‌فروش دیگری است که اقدامات لازم برای فروش را انجام می‌دهد. از نظر مفهومی، صرف‌نظر از اینکه تعدیلات در قیمت خرده‌فروشی (رو به پایین) یا در قیمت عمده‌فروشی (رو به بالا) انجام گیرد، اندازه‌گیری ارزش منصفانه یکسان خواهد بود. معمولاً برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید از قیمتی استفاده شود که مستلزم کمترین میزان تعدیلات قضاوتی است.

چ. **ساختمان نگهداری شده و مورد استفاده:** یک داده ورودی سطح ۲ می‌تواند قیمت هر متر مربع ساختمان (ضریب ارزشیابی) باشد که از داده‌های ورودی قابل مشاهده بازار استنتاج شده است، مانند ضرایب استنتاج شده از قیمتهای معاملات مشاهده شده از جمله ساختمانهای قابل مقایسه (یعنی مشابه) در موقعیتهای مکانی مشابه.

ح. **واحد مولد نقد:** یک داده ورودی سطح ۲ می‌تواند ضریب ارزشیابی (مانند ضریب سود یا درآمد عملیاتی یا یک معیار عملکرد مشابه) باشد که از داده‌های ورودی قابل مشاهده بازار استنتاج شده است، مانند ضرایب استنتاج شده از قیمت معاملات مشاهده شده از جمله فعالیتهای تجاری قابل مقایسه (یعنی مشابه)، با در نظر گرفتن عوامل عملیاتی، عوامل بازار، عوامل مالی و عوامل غیر مالی.

داده‌های ورودی سطح ۳ (بندهای ۸۵ تا ۸۹)

ب۳۶. نمونه‌هایی از داده‌های ورودی سطح ۳ برای برخی داراییها و بدهیها شامل موارد زیر است:

الف. **سواپ ارزی بلندمدت:** یک داده ورودی سطح ۳ می‌تواند نرخ سود برحسب ارز خاصی باشد که قابل مشاهده نیست و از طریق داده‌های قابل مشاهده بازار در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ یا به طریق دیگر، برای بخش عمده‌ای از کل دوره سواپ ارزی، قابل تأیید نیست. نرخ سود در سواپ ارزی، نرخ است که بر اساس منحنیهای بازده کشورهای مربوط محاسبه می‌شود.

ب. **اختیار معامله سه‌ساله سهام قابل معامله در بورس:** یک داده ورودی سطح ۳ می‌تواند نوسانهای تاریخی، یعنی نوسانهای سهام ناشی از قیمتهای تاریخی سهام، باشد. حتی اگر نوسانهای تاریخی تنها اطلاعات در دسترس درباره قیمت اختیار معامله باشد، بطور معمول بیانگر انتظارات فعالان فعلی بازار از نوسانهای آتی نیست.

پ. **سواپ نرخ سود:** یک داده ورودی سطح ۳ می‌تواند تعدیل میانگین قیمت توافقی (غیرالزام‌آور) بازار مربوط به سواپ با استفاده از داده‌هایی باشد که بطور مستقیم قابل مشاهده نیست و به طریقی دیگر، با داده‌های ورودی قابل مشاهده بازار، قابل تأیید نمی‌باشد.

ت. **بدهی مربوط به برچیدن دارایی در ترکیب تجاری:** یک داده ورودی سطح ۳ می‌تواند برآورد فعلی جریانهای نقدی خروجی آتی قابل پرداخت برای ایفای تعهد (شامل انتظارات فعالان بازار درباره مخارج ایفای تعهد و پاداشی که فعال بازار در ازای قبول تعهد برچیدن دارایی مطالبه می‌کند) با استفاده از داده‌های خود واحد تجاری باشد، مشروط بر اینکه اطلاعاتی که نشان دهد فعالان بازار از مفروضات متفاوت استفاده می‌کنند، بطور معقول در دسترس نباشد. این داده ورودی سطح ۳ می‌تواند به همراه سایر داده‌های ورودی، مانند نرخ بازده بدون ریسک جاری یا نرخ بدون ریسک تعدیل شده بر حسب اعتبار، در تکنیک ارزش فعلی مورد استفاده قرار گیرد، مشروط بر اینکه اثر وضعیت اعتباری واحد تجاری بر ارزش منصفانه بدهی، به جای انعکاس در برآورد جریانهای نقدی خروجی آتی، در نرخ تنزیل منعکس شده باشد.

ث. واحد مولد نقد. یک داده ورودی سطح ۳ می‌تواند برآورد پیش‌بینیهای مالی انجام‌شده (برای مثال، جریانهای نقدی یا سود یا زیان دوره) با استفاده از داده‌های خود واحد تجاری باشد؛ مشروط بر اینکه اطلاعاتی که نشان دهد فعالان بازار از مفروضات متفاوت استفاده می‌کنند، بطور معقول در دسترس نباشد.

اندازه‌گیری ارزش منصفانه هنگامی که حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی، کاهش قابل ملاحظه داشته است

ب۳۷. هنگامی که در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای آن دارایی یا بدهی (یا داراییها یا بدهیهای مشابه)، کاهش قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد، ارزش منصفانه آن دارایی یا بدهی ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد. واحد تجاری برای تعیین اینکه بر مبنای شواهد موجود، کاهش قابل ملاحظه‌ای در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی وجود داشته است یا خیر، باید اهمیت و مربوط بودن عواملی مانند موارد زیر را ارزیابی کند:

الف. اخیراً معاملات اندکی انجام شده است.

ب. قیمت‌های اعلام‌شده با استفاده از اطلاعات جاری تعیین نشده است.

پ. قیمت‌های اعلام‌شده، طی زمان یا در میان بازارسازان (برای مثال، برخی بازارهای کارگزاری) نوسان قابل ملاحظه‌ای داشته است.

ت. شاخصهایی که در گذشته، همبستگی بالایی با ارزشهای منصفانه دارایی یا بدهی داشته‌اند، به وضوح با شاخصهای اخیر ارزش منصفانه آن دارایی یا بدهی همبستگی ندارند.

ث. در صرف ریسک مورد انتظار نقدشوندگی، بازده‌ها یا شاخصهای عملکرد (مانند میزان قصور در پرداخت بدهی یا شدت زیان) مربوط به قیمت‌های معاملات مشاهده شده یا قیمت‌های اعلام‌شده در مقایسه با برآورد واحد تجاری از جریانهای نقدی مورد انتظار، با در نظر گرفتن تمام داده‌های در دسترس بازار درباره ریسک اعتباری و ریسک عدم ایفای تعهد برای دارایی یا بدهی، افزایش قابل ملاحظه وجود داشته است.

ج. تفاوت زیادی بین قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش یا افزایش قابل ملاحظه‌ای در تفاوت بین قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش وجود داشته است.

چ. کاهش قابل ملاحظه‌ای در فعالیت یک بازار در ارتباط با انتشارهای جدید (یعنی بازار اولیه) برای دارایی یا بدهی یا داراییها یا بدهیهای مشابه، وجود داشته یا اساساً چنین بازاری وجود نداشته است.

ح. اطلاعات اندکی در دسترس عموم است (برای مثال، در مورد معاملاتی که در بازار بدون واسطه انجام می‌شود).

ب۳۸. اگر واحد تجاری به این نتیجه برسد که در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای آن دارایی یا بدهی (یا داراییها و بدهیهای مشابه)، کاهش قابل ملاحظه وجود دارد، تجزیه و تحلیل بیشتری در خصوص قیمت‌های معاملات یا قیمت‌های اعلام‌شده ضرورت می‌یابد. کاهش در حجم یا سطح فعالیت، به خودی خود ممکن است دلالت بر این نداشته باشد که قیمت معامله یا قیمت اعلام شده، بیانگر ارزش منصفانه نیست یا معامله در آن بازار، نظام‌مند نیست. با وجود این، اگر واحد تجاری به این نتیجه برسد که قیمت معامله یا قیمت اعلام شده، بیانگر ارزش منصفانه نیست (برای مثال، ممکن است معاملاتی وجود داشته باشند که نظام‌مند نیستند)، در صورت استفاده از آن قیمت‌ها به عنوان مبنای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، تعدیل قیمت‌های معاملات و قیمت‌های اعلام‌شده ضرورت می‌یابد و تعدیل مزبور ممکن است در کلیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه قابل ملاحظه باشد. همچنین، تعدیلات ممکن است در شرایط دیگر ضرورت یابد (برای مثال، هنگامی که قیمت یک دارایی مشابه مستلزم تعدیل قابل ملاحظه باشد تا با دارایی اندازه‌گیری‌شده، قابل مقایسه شود یا هنگامی که قیمت قدیمی باشد).

ب۳۹. این استاندارد روشی را برای انجام تعدیلات قابل ملاحظه در قیمت‌های معاملات یا قیمت‌های اعلام‌شده تجویز نمی‌کند. برای تشریح استفاده از تکنیکهای ارزشیابی هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه به بندهای ۶۰ تا ۶۵ و ب۵ تا ب۱۱ مراجعه شود. واحد تجاری باید صرف‌نظر از تکنیک ارزشیابی مورد استفاده، تعدیلات مناسب ریسک، از جمله صرف ریسکی که منعکس‌کننده مبلغ مورد تقاضای فعالان بازار به عنوان جبران عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی یک دارایی یا یک بدهی است را در نظر بگیرد. (به بند ب۱۷ مراجعه شود). در غیر این صورت، این اندازه‌گیری، ارزش منصفانه را بطور صادقانه بیان نخواهد کرد. در برخی موارد، تعیین تعدیل مناسب ریسک ممکن است دشوار باشد. با وجود این، میزان دشواری به تنهایی برای در نظر نگرفتن تعدیل ریسک کافی نیست.

تعدیل ریسک باید منعکس‌کننده معامله نظام‌مند بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاری باشد.



ب ۴۰. اگر در حجم یا سطح فعالیت یک دارایی یا یک بدهی کاهش قابل ملاحظه وجود داشته باشد، تغییر در تکنیک ارزشیابی یا استفاده از چندین تکنیک ارزشیابی ممکن است مناسب باشد (برای مثال، استفاده از رویکرد بازار و تکنیک ارزش فعلی). هنگام تعیین وزن شاخصهای ارزش منصفانه تعیین شده در نتیجه استفاده از چندین تکنیک ارزشیابی، واحد تجاری باید معقول بودن دامنه اندازه گیریهای ارزش منصفانه را در نظر بگیرد. هدف، تعیین نقطه‌ای در این دامنه است که در شرایط جاری بازار، بهترین معرف از ارزش منصفانه باشد. گستردگی دامنه اندازه گیریهای ارزش منصفانه ممکن است بیانگر آن باشد که تجزیه و تحلیل بیشتری مورد نیاز است.

ب ۴۱. حتی هنگامی که در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی کاهش قابل ملاحظه وجود داشته باشد، هدف از اندازه گیری ارزش منصفانه تغییر نمی کند. ارزش منصفانه قیمتی است که بابت فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای نظام مند (یعنی شرایطی غیر از انحلال اجباری یا فروش اضطراری) بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه گیری در شرایط جاری بازار قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود.

ب ۴۲. در صورت وجود کاهش قابل ملاحظه در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی، برآورد قیمتی که فعالان بازار تمایل به انجام معامله به آن قیمت در تاریخ اندازه گیری در شرایط جاری بازار دارند، به واقعیتها و شرایط در تاریخ اندازه گیری بستگی دارد و مستلزم قضاوت است. قصد واحد تجاری برای نگهداری دارایی یا تسویه یا ایفای بدهی به طریقی دیگر، در اندازه گیری ارزش منصفانه مربوط نیست، زیرا ارزش منصفانه، یک اندازه گیری مبتنی بر بازار است و اندازه گیری مختص واحد تجاری نیست.

تشخیص معاملاتی که نظام مند نیستند

ب ۴۳. اگر در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای آن دارایی یا بدهی (یا داراییها و بدهیهای مشابه) کاهش قابل ملاحظه وجود داشته باشد، تعیین اینکه معامله نظام مند است یا خیر، دشوارتر است. در چنین شرایطی، رسیدن به این نتیجه که تمام معاملات در آن بازار، نظام مند نیستند (یعنی انحلال اجباری یا فروش اضطراری)، مناسب نیست. شرایطی که ممکن است نشان دهنده نظام مند نبودن معاملات باشد، شامل موارد زیر است:

الف. در دوره‌ای پیش از تاریخ اندازه گیری، معامله به میزان کافی در معرض بازار قرار نگرفته باشد تا انجام فعالیت‌های بازاریابی مرسوم و معمول برای معامله این گونه داراییها یا بدهیها امکانپذیر شود.

ب. دوره مرسوم و معمول برای بازاریابی وجود داشته باشد، اما فروشنده، آن دارایی یا بدهی را صرفاً به یک فعال بازار عرضه کرده باشد.

پ. فروشنده ورشکست شده یا در آستانه ورشکستگی یا در حال انحلال باشد (یعنی فروش اضطراری).

ت. فروشنده طبق مقررات یا الزامات قانونی ملزم به فروش باشد (یعنی فروش اجباری).

ث. قیمت معامله در مقایسه با قیمت سایر معاملات اخیر برای دارایی یا بدهی همانند یا مشابه، تفاوت قابل ملاحظه داشته باشد.

واحد تجاری باید شرایط را ارزیابی کند تا بر اساس وزن شواهد موجود، تعیین نماید که معامله، نظام مند است یا خیر.

ب ۴۴. هنگام اندازه گیری ارزش منصفانه یا برآورد صرف ریسک بازار، باید تمام موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. اگر شواهد نشان دهد که یک معامله، نظام مند نیست، واحد تجاری حتی در صورت در نظر گرفتن قیمت معامله، باید وزن اندکی برای آن قیمت معامله (در مقایسه با سایر شاخصهای ارزش منصفانه) قائل شود.

ب. اگر شواهد نشان دهد که یک معامله، نظام مند است، واحد تجاری باید قیمت آن معامله را در نظر بگیرد. وزن اختصاص یافته به آن قیمت معامله در مقایسه با سایر شاخصهای ارزش منصفانه، به واقعیتها و شرایطی نظیر موارد زیر بستگی دارد:

۱. حجم معامله.

۲. قابلیت مقایسه معامله با دارایی یا بدهی مورد اندازه گیری.

۳. نزدیکی معامله به تاریخ اندازه گیری.

پ. اگر واحد تجاری اطلاعات کافی در اختیار نداشته باشد تا به این نتیجه برسد که معامله، نظام مند است یا خیر، باید قیمت معامله را در نظر بگیرد. با وجود این، قیمت معامله ممکن است بیانگر ارزش منصفانه نباشد (یعنی آن قیمت معامله لزوماً تنها مبنا یا

مبنای اصلی اندازه گیری ارزش منصفانه یا برآورد صرفهای ریسک بازار نیست). هنگامی که واحد تجاری اطلاعات کافی در اختیار نداشته باشد تا به این نتیجه برسد که یک معامله، نظام مند است یا خیر، باید برای آن معامله در مقایسه با سایر معاملاتی

که نظام مند تلقی می شوند، وزن کمتری قائل شود.



یک واحد تجاری لزومی ندارد برای تعیین اینکه یک معامله نظام‌مند است یا خیر، تلاش جامعی انجام دهد، اما نباید اطلاعاتی را که بطور معقول در دسترس است، نادیده بگیرد. هنگامی که واحد تجاری یک طرف معامله باشد، فرض بر این است که اطلاعات کافی در اختیار دارد تا به این نتیجه برسد که معامله، نظام‌مند است یا خیر.

استفاده از قیمت‌های اعلام‌شده‌ای که توسط اشخاص ثالث ارائه می‌شود

ب۴۵. در این استاندارد، استفاده از قیمت‌های اعلام‌شده‌ای که توسط اشخاص ثالث مانند ارائه‌دهندگان خدمات قیمت‌گذاری یا کارگزاران، ارائه می‌شود منع نمی‌گردد، مشروط بر اینکه واحد تجاری به این نتیجه رسیده باشد که قیمت‌های اعلام‌شده توسط آن اشخاص، طبق این استاندارد تعیین شده است.

ب۴۶. اگر در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی، کاهش قابل ملاحظه وجود داشته باشد، واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا قیمت‌های اعلام‌شده که توسط اشخاص ثالث ارائه می‌شود، با استفاده از اطلاعات جاری که بازتابی از معاملات نظام‌مند است، ایجاد شده است یا با استفاده از یک تکنیک ارزشیابی که بازتابی از مفروضات فعالان بازار (شامل مفروضات مربوط به ریسک) است. واحد تجاری در وزن دادن به قیمت‌های اعلام‌شده به عنوان یک داده ورودی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، کمترین وزن را (در مقایسه با سایر شاخص‌های ارزش منصفانه که منعکس‌کننده نتایج معاملات است) برای قیمت اعلام‌شده‌ای قائل می‌شود که منعکس‌کننده نتیجه معاملات نیست.

ب۴۷. علاوه بر این، هنگام وزن دادن به شواهد موجود، باید ماهیت قیمت اعلام‌شده (برای مثال، اینکه قیمت اعلام‌شده، قیمت شاخص است یا پیشنهاد الزام‌آور) در نظر گرفته شود و به قیمت اعلام‌شده که توسط اشخاص ثالث ارائه می‌شود و بیانگر پیشنهاد‌های الزام‌آور است، وزن بیشتری داده شود.

پیوست پ

گذار

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد مسابرداری است و مانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم‌الاجرا است.

پ ۲. این استاندارد، باید از ابتدای دوره سالانه‌ای که برای نخستین بار بکار گرفته می‌شود، با تسری به آینده اعمال شود.

پ ۳. ضرورتی ندارد که الزامات افشای این استاندارد، در تهیه اطلاعات مقایسه‌ای دوره‌های قبل از بکارگیری اولیه این استاندارد بکار گرفته شود.